



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز شنبه (۱۹) اسفندماه ۱۳۵۱

فهرست مطالب:

۱۳۵۲ کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۵۲ کل کشور .

۳- تعیین موقع و دستور جلسه آینده - قرائت دستور جلسه روز سه شنبه ۲۲ اسفندماه - ختم جلسه .

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
 ۲ - ادامه مذاکره در گزارش يك شوری

مجلس ساعت پنج و نیم از ظهر برباست آقای مهندس عبدالله ریاضی تشکیل گردید

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(شرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه آقایان :

بختیارها - بختیاری پور - غلامرضا بهادری -
 بهنیا - پزشکی - دولو - دکتر رشتی - دکتر هنوردی -
 ساگینیان - سمعی - مهندس سهم الدینی - شیخ بهائی -
 عبدالحسین طباطبائی - عزیز مرادی - مهندس عطائی -
 دکتر غنی - خانلر قراچورلو - مهندس عبدالحمد معینی -
 نجد شبیانی - دکتر گاکلیک - حیدر صائی - خانم اقبال -
 خانم دکتر صنیع .

غائبین مریض - آقایان :

دکتر بیگلری - پروین - مهندس عنایت بهبهانی -
 دکتر حاتم - دکتر شکرانی - دکتر صالحی - غضنفری -
 فروتن - مهرزاد - نیک پور - دکتر عدل

۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۵۲ کل کشور

رئیس - وارد دستور میشود کلیات لایحه بودجه سال ۱۳۵۲ کل کشور مطرح است آقای شیخ رضائی فرمائید .

شیخ رضائی - با اجازه مقام محترم ریاست و همکاران عزیز ، خیلی خوشحال هستم در این مدتی که افتخار نمایندگی نصیب شده است ، اولین دفعه ایست که در مقابل جناب آقای هویدا عرایض خدمتشان عرض میکنم (نخست وزیر - دفعه دوم است) صبح مطالبی را گفتم که اگر اجازه فرمائید توضیحی خدمتتان عرض کنم . درست بخاطرم میآید زمانی که لایحه استخدامی کشور در مجلس شورای ملی مطرح بود و معلمین نظریاتی داشتند شخص جنابعالی اگر اجازه فرمائید نشانیش را هم خدمتتان عرض کنم آنان را در یکروز تعطیلی در منزلتان دعوت کردید بایکایک آنها صحبت کردید بدون هیچ تملقی از صمیم قلب از شما متشکرم و درود بر شما که شرافت را انتخاب کردید بدین جهت صبح مطالبی عرض کردم راجع به خانه سازی معلمین دستورات مؤکدی که شما صادر فرمودید در راه اجرای منویات شخص اول مملکت ، لذا يك پیشنهاد بکنم . برای اینکه اینکار صورت عمل بخودش بگیرد با وجود اینکه خیلی کار دارید ریاست افتخاری هیئت مدیره این سازمان مسکن معلمین را قبول

بفرمائید که این هیئت زیر نظر مستقیم شخص جنابعالی کار بکند. شما طبق مدارکی که امروز صبح بمجلس شورای ملی ارائه دادم در تمام موارد دستورات مؤکدی صادر فرموده اید که کار این ساختمانها انجام بشود چون يك مشکلاتی در کار هست که با همت جنابعالی حل خواهد شد خوشحال خواهم شد اگر منت بر معلمین بگذارید و اینکار را زیر نظر مستقیم خودتان بگیرید. و امامطلب دیگر در این بودجه که دولت جنابعالی بمجلس شورای ملی آورده است و با این رقم مهم، صبح من يك درد دلی کردم جنابعالی بسرپرست تربیت بدنی دستور فرمودید که من آن را یادداشت کرده ام یکبار دیگر هم میخواهم اینطور دستور فرمودید «اگر دیناری از پول ورزش را هر کس حیث و میل کند تصرف غیر قانونی در اموال دولت است و تحت تعقیب قرار میگیرد» خوب این خیلی برای کسانی که علاقمند بتربیت جسم جوانان میباشند جای خوشبختی است این احترام به ورزش و طبقه جوانان است و سازمانی که مسئول صحت و پرورش جسمی است و باید از شما متشکر باشم. سندی که صبح بعرض رساندم در مقابل بودجه بزرگ مملکتی که شما آوردید بعنوان مثال بود نه اینکه من بایم آن بودجه را ندیده بگیرم و اشاره باین مطلب کنم. از استخری در گرمسار صحبت کردم، این پول بدستور شخص جنابعالی حواله شده جمع مبلغی که حواله شده ۵۰۰ هزار تومان بوده اینجا عرض کردم این ۵۰۰ هزار تومان برای ورزش گرمسار زیاد است اما جناب آقای هویدا از سال ۱۳۴۷ این استخر را شروع کردند تا این تاریخ که در خدمتتان هستم هنوز بهره برداری از آن شروع نشده فقط اسکلت استخر هست خدمتتان يك چاله کنند يك بتون ریختند و رها کردند اجازه بفرمائید آن مطالبی که درباره زمین آن میدانیم در جلسه خصوصی عرض کنم. درباره زمین و چیزهای دیگر بحث جداگانه دارم. چطور ممکن است وزارت آموزش و پرورش، يك استخر میسازد ۵۰ متر در ۲۲ متر با ۹۰ نورافکن و دو تصفیه خانه

آب، این استخر جمعاً برای ویزارت آموزش و پرورش ۲۹۷۰۰۰ تومان خرج بر می دارد ولی شهر گرمسار که در کنار کویر واقع شده و استخر برای جوانانش از واجبات است از سال ۱۳۴۷ تا این تاریخ که پول حواله شده بهره برداری از این استخر هنوز شروع نشده البته اهالی گرمسار مثل اینکه در اطاق باشند يك پنجره داشته باشند از دیدن نظر خودشان بیرون نگاه می کنند ولی اگر بیایند در يك باغ بایستند و اطراف را نگاه کنند جاهای وسیعی تری را می بینند در این جا باید گفت که اعلیحضرت امر فرمودند و شما عمل کردید ۵۰۰ هزار تومان هم، باز می گویم برای ورزش گرمسار زیاد است. (دولو - نصفش را بفرستید و رامین) شما صبح تشریف نداشتید عریضی کردم اجازه بفرمائید نزدیک عید که تحولات در داخل شما اتفاق افتاده ضمن تبریک بجنابعالی عریضم درباره گرمسار باشد مطلب برای منوال بود اگر مطالب دیگری خدمتتان عرض کردند غیر از این بوده ما در مورد استخر راجع باین مطلب صحبت کردیم الان باز بعنوان مثال می گویم که وقت مجلس شورای ملی را نگیرم آدم يك مطالبی را می بینید شما در تهران که حرکت می کنید رفته اید دیده اید صرف نظر از چاله های این عمارت های که وزارت آموزش و پرورش درست کرده بنده یکی را می خوانم و باز عرض میکنم بیانات من قابل مقایسه با این بودجه کل کشور نیست، مثال می زنم:

اداره آموزش و پرورش ناحیه ۱۴ در خیابان تخت طلوس باداشتن کاغذ دیواری سنگ مرمریت، شوفاز، کف سالن، تلفن ۲۵ شماره، سه خط آزاد بخارج جناب آقای هویدا متر مربعی ۳۶۶۷ ریال تمام شده در يك جای دیگر نزدیک تهران در گرمسار کمیسیون می کنند ساختمان را می گیرند متری ۴۵۰ تومان. مقام محترم وزارت محبت میکنند بودجه میفرستند بدشهرستانی که آنجا آباد بشود متری ۴۵۰ تومان بر آورد می کنند اداره مسئول در مرکز در این باره اعتراض میکند همان مقاطعه کار همان هیئت اولیه آنرا می کند متری ۳۵۰ تومان رقم صد هزار تومان در مقابل این بودجه چیزی نیست ولی آن افرادی که در اطاق کوچکی در آن شهر هستند و از يك پنجره بیرون را نگاه میکنند

فکر میکنند همه دستگاهها اینطور دارند انجام وظیفه می کنند در صورتیکه اینطور نیست باید همیشه باین جور آدم ها بگویم گیرم که خلق را بطریقی فریفتی - با انتقام دست طبیعت چه میکنی؟ (احسنت).

این ها که دارند زحمات شما را بهدر می دهند این دو مثال را در حوزه انتخابیه خودم بعرض رساندم آن استخر را هم همینطور که توضیح دادم دستور شخص جنابعالی در يك جزوه ای در دست تمام معلمین است اگر سازمانهای دیگری اشکال میترانند این کاغذ دست معلم است بعد در منزل میخوانند که نخست وزیر امر اعلیحضرت را دارد اجراء می کند پس در این فاصله چرا اینقدر کش و قوس پیدا می کند ریاست افتخاری این هیئت مدیره را با تمام مشغله ای که جنابعالی دارید قبول بفرمائید و این شب عیدی با تمام مشغله ای که دولت دارد اگر این کار را انجام بدهد و بهترین عیدی برای معلمین است. صبح با جناب معاون محترم وزارت علوم اینجا بحث شد فرمودند دیپلمه شیمی صنعتی را معادل ششم طبیعی قرار داده اند. دوست عزیز، بنده شاگرد جنابعالی هستم، خود این کار کار بست خلاف، يك دیپلمه شیمی صنعتی را که شما معادل ششم طبیعی قرار داده اید اگر هر دو اینها بروند در کنکور دانشکده پزشکی شرکت کنند و هر دو بفرض محال قبول بشوند و هر دو پهلوی هم بنشینند ولی آیا هر دو يك ظرفیت برای فراگیری دارند؟ نه آقا یکی می آید درس استاد را نمی فهمد می ماند و ناراضی میشود. این کار درست نیست اگر مصلحت مملکت را در نظر بگیرید می بینم مملکت به نیروی انسانی چقدر فراوان احتیاج دارد. این دیپلمه شیمی صنعتی و دیپلمه های فنی را در راهی قرار دهید که احتیاجات مملکت بر آن مرتب است و گرنه آوردن يك دیپلمه شیمی صنعتی و برابر کردن او با دیپلمه ششم طبیعی نتیجه اش اینست که می رود در کنکور شرکت کند و لیسانس تاریخ و جغرافی میشود روشن بفرمائید این مؤسسات عالی انتفاعی و غیر انتفاعی چه هستند، اگر در نظر بگیرید مابیشتر علوم تجربی احتیاج داریم تا علوم

انسانی، به فنی بیشتر احتیاج داریم، تخطئه نمی کنم، نمیگویم لیسانس ادبیات و تاریخ جغرافی لازم نیست ولی باید دید احتیاجات مملکت روی چیست؟ آن را فراهم سازید پیشنهاد میکنم شاید پیشنهاد من تا کید است اگر مؤسسات عالی میخواهند علوم انسانی قبول کنند، شما کاری کنید دانشگاه علوم تجربی بپذیرد ما معلوم تجربی بیشتر احتیاج داریم. مؤسسات عالی روی چه ضوابطی شاگرد می پذیرند لطفاً روشن بفرمائید يك شاگرد هنرستان اگر در دانشکده فنی قبول شود آیا در کلاس درس استاد معادل شاگرد ششم ریاضی درس را فرامیگیرد؟ مسلماً نه مثلاًت را آنطور نمی فهمد هندسه را آنطور نمی فهمد، حساب را آنطور نمی فهمد و بروحی اش ضربه میخورد، تصدیق کنید که نیروی انسانی بهدر میرود، از وزیر آموزش و پرورش استدعا دارم، میدانند که پایه تمام رشته های آینده دوره راهنمایی است که شروع شده، نسبت بتربیت معلم مخصوصاً تربیت معلم راهنمایی دقت بیشتری بکنید. اگر پایه ساختمانی کج در بیاید مطابق آن میشوند تا عرش بنا کج میشود. دقت بیشتری بفرمائید با آنکه میدانم شما در باره دانشراهای راهنمایی فعالیت دارید در باره تربیت معلم راهنمایی هم دقت بیشتری بفرمائید. دنباله فرمایش نخست وزیر را که از تلویزیون مشاهده کردم، فرمودند ما با اقلیت دنبال گفت و شنود هستیم و با این بودجه به مناطق عقب افتاده بیشتر میرسیم و این قابل توجه است. قبل از اینکه وارد بودجه بشوم، بصورت پارتی بازی دو استدعای کوچک دارم اوامری صادر فرمودید که معاونین و زارتخانه ها بشهرهای عقب افتاده بروند و دستورات انجام کار را بدهند (نخست وزیر - خودم به ایوانکی و گرمسار می آیم) از طرف اهالی گرمسار قدم شما و همکاران محترم شما روی چشم فردا اهالی گرمسار و چشم خود بنده، پس من اولی را پس گرفتم و همین نوید را ب مردم گرمسار خواهم داد جناب نخست وزیر و همکارانشان وعده فرمودند که بعد از عید به گرمسار خواهند آمد.

نخست وزیر (هویدا) - او اصرار دهبهشت.

شیخ رضائی - بلی او اصرار دهبهشت انشاء الله ما در شهر گرمسار ۸۰٪ با ما و داریم دانشرای بزرگ داور آباد داریم مؤسسات آموزشی بزرگ در آینده خواهیم داشت

مافاقتلویزیون هستیم استدعا میکنم. این پارتنی بازی را که عرض کردم، در مورد تلویزیون گنر مسار قبول فرموده به مقام مسئول دستور بفرمائید که این خواسته اهالی انجام شود بقیه خواسته‌ها را هم انشاءالله جناب آقای نخست‌وزیر در محل رسیدگی میکنند. اعلیحضرت همایونی امر به‌شان در مورد ورزش مخصوصاً در بین جوانان این بود که در مجاورت هر مدرسه سعی کنید زمینی بخرید برای ورزش دانش آموزان. حتی اینطور دستور فرمودند که اگر زمین پیدا نکردید عمارت‌ها را بخرید و صاف کنید و برای ورزش از آن استفاده کنید، شما هم در بودجه وزارت آموزش و پرورش برای این امر به هم بودجه‌ای گذاشته‌اید موجب کمال تشکر است اما در دلدلی راجع به بودجه تربیت بدنی:

در این لایحه بودجه بازم مثل همیشه در باره ورزش و تربیت بدنی مطالبی بعرض مجلس شورای ملی میرسانم تربیت بدنی در گذشته عملاً یکی از واحدهای تابعه وزارت آموزش و پرورش بوده و تا این اواخر کسانی که اداره این قسمت را به عهده می‌گرفتند معاون وزارت فرهنگ یا آموزش و پرورش حالیه بودند بدین ترتیب دستگاه مستقلی تلقی نمیشد و نمیتوانستند آنطور که باید و شاید بکار ورزش برسند. تنها هدف تربیت بدنی در سابق ورزش مدارس بعنوان خودش و کار قهرمان پروری بود بآن صورت که امروز مورد نظر شخص اول مملکت و دستگاه‌های علاقمند میباشد یعنی اصل تعمیم ورزش در سراسر کشور نبود. در چند سال پیش قانون تأسیس تربیت بدنی از مجلس گذشت این سازمان بطور مستقل شروع به فعالیت کرد طبیعی است واحدی که یک پشتیبان داشت در سال‌های اول استقلال باید تقویتش کرد اما آنطوری که باید و شاید از طرف دستگاه‌های مسؤول آن نظر اعتبار بود بودجه تقویت نشد. چون وقتی این سازمان مستقل شد کمک‌های وزارت آموزش و پرورش برداشته شد این دستگاه از اعتبارات شورای ورزشی آموزشگاهها تغذیه میکرد امروز دیگر آن اعتبارات در بین نیست پس این سازمان نوباً مورد تقویت همانطور که عرض کردم آنطوری که باید و شاید

قرار نگرفت کمک‌های وزارت آموزش و پرورش بموجب تصویب قانون سازمان تربیت بدنی از سال ۱۳۵۰ قطع شد نتیجه اینکه سازمان تربیت بدنی در شکل استقلال یافته‌اش مانده بایک اعتبار جزئی که از دولت می‌گیرد و پرسنل کمی که از وزارت آموزش و پرورش بسازمان تربیت بدنی منتقل شده است.

حال وضع موجود سازمان تربیت بدنی را بررسی می‌کنیم:

سازمان تربیت بدنی در سابق از کلیه امکانات وزارت آموزش و پرورش از جمله پرسنل، لوازم، اعتبار و حتی ساختمانهای وزارت خانه استفاده میکرد اکتون این امکانات بکلی قطع شده است و در عوض باین اعتبار که در بودجه باین سازمان میدهند نمیتواند حتی جوایبگوی نیازمندی‌های روزمره باشد چه آنکه بخواهد جبران کمک‌هایی را که قبل از تصویب لایحه تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش میکرده بنماید.

نتیجه اینکه الان در شهرستانها صرف نظر از تهران و مراکز بعضی از استانها بطوریکه اگر شما به اکثر شهرستانها سر بزیند تعداد پرسنل تربیت بدنی حداکثر از ۳ الی ۴ نفر تجاوز نمیکند بطوریکه در بعضی از شهرستانها اصلاً کارمند ندارند آیا با این وضع میتوان بامر تعمیم ورزش اقدام نمود؟ در سابق از نظر محل اداره از ساختمانهای وزارت آموزش و پرورش استفاده میکرد ولی در زمان حال نمیکند حتی در اکثر شهرستانها کادر اداری تربیت بدنی از محل ساختمانهای مخروبه یا سربادار استادیوم‌های ورزشی استفاده میکند لوازم ندارد این لوازم چه از نظر اداری و چه از نظر وسایل ورزشی میباشد.

از آنجائیکه سرمنشاء یا حلال مشکل تمام امکانات اعتبار مالی است باید دفتر بودجه باین مشکل توجه کند. بودجه سابق که این دستگاه ضمیمه وزارت آموزش و پرورش بود با امسال چندان فرقی نکرده است در لایحه بودجه امروز در حدود ۰.۴۰٪ نسبت به سال گذشته اضافه شده است اگر دقیقاً مطالعه کنیم اعتبارات غیر مستمر عمرانی را که در سال ۱۳۵۲ مستمر شده و در شکم بودجه تربیت بدنی منظور شده خارج کنیم می‌بینیم رقم قابل ملاحظه‌ای به بودجه تربیت بدنی اضافه نشده است.

مهمترین طرحها طرح غیر مستقیم نگه‌داری استادیوم ۱۰۰ هزار نفری آریامهر بود که در سال ۱۳۵۲ در بودجه سازمان تربیت بدنی منظور شده است.

بنابر آنچه که گذشت ملاحظه میشود که دولت از طرفی لایحه استقلال تربیت بدنی را بمجلس می‌آورد و این سازمان مستقل میشود از طرف دیگر امکانات لازم در درجه اول اعتبار لازم در اختیارش نمیگذارد بودجه‌ای که از ۰.۳٪ در آمد شهرداریها بعنوان سهمیه تربیت بدنی تعلق می‌گرفت عموماً با استناد شهرهای طراز اول مانند تهران و چند مرکز استان عموماً بعنوان مختلف سهمیه را نمیدهند. بطوریکه حتی از سالهای قبل در بودجه‌های تربیت بدنی شهرداریها بدهکار میباشند. در شهرستانها بندرت اتفاق میافتد که سهمیه تربیت بدنی را تمام کمال پرداخت نموده باشد. نتیجه اعتباری که از این محل بعنوان درآمد‌های اختصاصی در لایحه بودجه ۵۲ برای تربیت بدنی در نظر گرفته شده است ۱۵۵ میلیون ریال است چنانچه دقیقاً رسیدگی کنیم شاید اندکی بیش از نیمی از آن وصول نشود در حالیکه این رقم بعنوان هزینه‌ای برای سازمان تربیت بدنی بحساب آمده است یعنی در عمل اگر این ۱۵۵ میلیون را دولت بعنوان بخشی از تأمین اعتبار سازمان تربیت بدنی در نظر گرفته است نزدیک نیمی از آن قابل استفاده نیست در حالیکه در بودجه تربیت بدنی بحساب آمده در حالیکه اگر دولت این رقم را از درآمد عمومی تربیت بدنی میبرد اخت تمام و کمال میتواند از این مبلغ استفاده کند نتیجه اینکه این مشکلات مالی برای تربیت بدنی بطور مختلف ظاهر شده است که یکی از عمده ترین آن مسأله دست‌مزد مربیان است.

از جمله دست‌مزد مربیان ورزش که وظیفه مهم تعمیم ورزش در سراسر کشور را به عهده دارند در شهرستانها عموماً در حدود ۲۰۰ الی ۲۵۰ تومان در ماه است حال چطور ممکن است بایک چنین دست‌مزدی یک مربی بتواند وظیفه‌اش را بنحو احسن انجام دهد.

اصولاً به بینیم تعمیم ورزش بچه صورت میتواند انجام بشود: آنچه که مربوط بسازمان تربیت بدنی از این نظر میشود اینست که با انجام مسابقات مختلف در رشته‌های گوناگون ورزشی وسایل تشویق جوانان و رقابت سالم از جمله دست‌مزد مربیان ورزش که وظیفه مهم تعمیم ورزش در سراسر کشور را به عهده دارند در شهرستانها عموماً در حدود ۲۰۰ الی ۲۵۰ تومان در ماه است حال چطور ممکن است بایک چنین دست‌مزدی یک مربی بتواند وظیفه‌اش را بنحو احسن انجام دهد.

اصولاً اگر اعتبار سزانه ورزش را در مملکت که سازمان تربیت بدنی در اختیار دارد در نظر بگیریم تازه با افزایش که بودجه این سازمان در سال ۵۲ پیدا کرد تقسیم به جمعیت مملکت بشود ملاحظه میشود در حدود ۲۰ ریال میشود با ۲۰ ریال برای یک نفر چگونه میتوان ورزش را تعمیم داد حتی در روستاها که مورد توجه خاص شاهنشاه آریامهر است مطلب آخری که خواستم بعرض برسانم چون همیشه اعتقاد داریم که کار خوب دولت را تعریف کنیم و اگر سهل‌انگاری شده است در نهایت ادب تذکر بدهیم.

همکاران گرامی، نمایندگان محترم تصدیق میفرمایند که اگر بخواهیم انقلاب اداری را در کوتاهترین جملات خلاصه و تعریف کنیم، میتوانیم بگوئیم که چیزی جز ایجاد سرعت عمل در انجام صحیح و قانونی مراجعات مردم نیست. این چیزی است که علیرغم اشکالات فراوانی که برای آن بر می‌شمرند، کاری بسیار آسان است. در واقع میتوانم عرض کنم «سهل‌ممتنع» است. سهل است زیرا

اگر واقعاً دستگاههای اجرائی دولت آنرا بخواهند و قبول داشته باشند و برای انجامش کوشش واقعی کنند، کاملاً شدنی است و از طرفی ممنوع است از این نظر که اگر دستگاههای اداری نخواهند، در اینصورت واقعاً غیرممکن است بتوان انقلاب اداری را پایه کرد. چندی پیش نامه ای بامضاء جناب آقای قوام صدوری به عنوان ریاست محترم مجلس شورای ملی که بدستور ایشان فتوایی آن بدست اینجناب رسید حاکی از این بود که سرپرست اوقاف نوشته بود که پیشنهادهای نماینده اقلیت مو به مو مورد رسیدگی و اجرا درآمد جای بسی خوشوقتی است این دستگاه که در راه اجرای صحیح انقلاب اداری قدم برمیدارد بدون هیچ تعصبی پیشنهادهای یک نماینده اقلیت را مورد بررسی قرار میدهد و آنرا که صواب میدانند انجام میدهد لذا ضمن عرض تشکر از اینکه بنده یکبار دیگر به موضوع حج اشاره میکنم، بخاطر اینست که دیده ام به تذکرات و عرایض بنده در گذشته در اینمورد توجه کردند ولی البته توقع دارم به مسائل دیگر و سایر عرایضی که میکنم، نیز توجه بفرمایند. کار حج، امسال به تصدیق خودی و غریبه، به تصدیق اکثریت و اقلیت، ایرانی و غیر ایرانی بسیار خوب برگزار شد. اما البته مسائل و مشکلاتی هم در همین مورد وجود داشت که اگر حسنتش را گفتیم، باید عیبش را نیز تذکر بدهیم.

بنده نمیتوانم از ذکر مشکلاتی که از نظر معاینه دقیق زائران بیت الله الحرام بوجود آمد خودداری کنم. در اینکار دقت کافی نشد. خود آقایان مسبق و مطلعند که حتی زن حامله را گواهی تندرستی مزاج و استطاعت سفر مشکل حج داده بودند. عده معتادین که سفر برای خودشان و برای دستگاههای مسئول، کلی اسباب ناراحتی و درد سر بود چندان هم کم نبود. پیرمردهای هشتاد و نود ساله را که بزرگواران راه میرفتند گواهی استطاعت بدنی داده بودند. چرا همین کار را از اول به دستگاهی که مسئول کلی امور حج است و این وظایف را بنا بر فرمان مبارک رهبر متفکر مملکت عهده دارد شده است و اگذار نکردید؟ چرا نباید برای اینکار يك ضابطه وجود داشته باشد؟

يك نکته دیگر که نمیتوانم ناگفته بگذارم اینست که چه اصراری است برای سفر حج حتماً گذرنامه صادر شود؟

در این مورد بعضی نمایندگان محترم میرسانم بشرحی که در قانون جدید گذرنامه مشاهده کردم معلوم میشود تا اندازه ای باین مشکل توجه شده است به همین لحاظ برای مسافرت بعربستان سعودی بمنظور انجام مناسک حج بجای گذرنامه جواز عبور پیش بینی کرده است بسیار اقدام شایسته است منتهی پیشنهاد من اینست که جناب نخست وزیر بسازمان اوقاف دستور بدهند که برای حج سال آینده برابر قانون جدید گذرنامه را اساساً سازمان اوقاف با همکاری دستگاههای مسئول اقدام بصدور پروانه عبور نماید تا در اجرای اصل انقلاب اداری در این باره يك گام بزرگ دیگر در راه فراهم آوردن تسهیلات بیشتر جهت زائران بیت الله الحرام برداشته شود من فکر میکنم با اجرای این ماده از قانون جدید گذرنامه بار سنگین دیگری از دوش اداره گذرنامه شهربانی کل کشور برداشته خواهد شد. مطلب دیگری که ذکر آن در اینجا ضرورت دارد اینست که حتماً باید در حج سال آینده در تعداد زائران بنحوی تصمیم گرفته شود که متناسب با امکانات کشور عربستان سعودی باشد این بدیهی است که حجاج مانه میتوانند و نه باید تحت شرایطی که حجاج کشورهای دیگر بعربستان سعودی میروند حج خود را برگزار کنند من شنیده ام که امسال بسیاری از حجاج کشورهای دیگر در خیابانهای مکه و مدینه تحت شرایط بسیار بدی بی توجیه میکردند خوشبختانه سازمان اوقاف برنامه های وسیعی برای فراهم آوردن هر چه بیشتر رفاه حجاج ایرانی تدوین و تنظیم کرده است حجاج هم باید توجه داشته باشند که بموجب دستورات و احکام دین مبین اسلام در شرایطی کاملاً و از هر جهت استطاعت دارند باین سفر مبادرت کنند من امیدوارم سال آینده سازمان اوقاف با تشریفات و تزیینات بهتر و شایسته تری خواهان و برادران مسلمان ما را راهی خانه خدا کند ضمناً امیدوارم در سال آیند دستگاه تبلیغات ما در آن قسمت که کار ارتباط با وظایف رادیو و تلویزیون پیدا میکند بیشتر بامر منعکس ساختن موفقیتهایی که در زمینه مسئله حج داشته ایم پردازند من از جراید در این باره تشکر میکنم و خیلی شایسته است که مطبوعات ما در کنار سایر مسائلی که هر روز دارند مسائل دینی و اخلاقی و اجتماعی مفید بحال جامعه را بر صفحات خود منعکس

کنند انشاء الله باتوسعه منطقی و صحیح این نوع تبلیغات اخلاقی و اجتماعی و دینی دولت در برنامه اصلاح معنویات در جامعه که مورد تعلیم و آموزش شخص شاهنشاه قرار دارد توفیق بیشتر بدست آورد. من میدانم وزارت اطلاعات در این باره فکری نمیکند یا خیر؟ ولی گویا این وزارتخانه دخالتی در این امر که وظیفه اصلی او است ندارد پیشنهاد میکنم که سازمان اوقاف امر معاینات پزشکی متقاضیان حج را با طبائی محول کند که در عربستان سعودی نیز مسئول مداوا و درمان حجاج هستند مثلاً چه مانعی دارد که به طبائی که همراه کاروانها میروند این وظیفه نیز محول شود که حجاج کاروان مربوط بخودشان را در تهران معاینه کنند و گواهی تندرستی یا عدم تندرستی آنان را صادر نمایند این اطبا چون در عربستان سعودی و در تمام طول مسافرت مسئولیت حفظ سلامت افراد کاروان خود را برعهده خواهند داشت در تهران نیز دقت کافی معمول میدارند که فردی که استطاعت بدنی ندارد عازم خانه خدا نشود امیدوارم باین پیشنهاد من نیز توجه دقیق بفرمایند.

آخرین مطلب بنده دو مطلب بسیار کوچک است از سرپرست محترم اوقاف سئوال میکنم که چرا وزارت آموزش و پرورش سهمی از این زمینهای اوقاف نداشته است استدعا میکنم که سرپرست محترم سازمان اوقاف باین مورد هم توجه بفرمایند حالا هم خيال تمام معلمان راحت شد چون ریاست افتخاری سازمان مسکن فرهنگیان با جناب آقای هويدا است و چند کلمه ای هم با وزارت آموزش و پرورش صحبت دارم که سازمان امور استخدامی هم بی نصیب نیست و از طرفی آخرین عرض بنده است و آن این شرایط تر فیعی است که برای گروه معلمان گذاشته اند بترتیبی که يك دبیر لیسانس به بعد از ۱۰ سال خدمت صحیح و دلسوزانه میتواند بگردد و ۹۰ برس اما همین دبیر یادیهای با سابقه دیگر برای رسیدن بگروههای ۱۰۱ و ۱۱۰ حتی اگر ۳۰ سال هم سابقه خدمت داشته باشند آنقدر شرایط مشکل و آنقدر دارای اما و اگر و غیره است که در واقع تعلیق بمحال است و استدعای توجه دارم که جناب آقای هويدا هم نسبت بخواسته فرهنگیان بذل مرحمت بفرمایند برای حسن ختام عرایضم، اگر فردی یا کسی از صحبتهای امروز صبح من رنجشی حاصل کرده نظری جز خلعت

نبوده است از ریاست محترم مجلس هم استدعا دارم این نامه که از طرف کارکنان روزمزد نواحی آموزش و پرورش تقدیم شده است بوزارت آموزش و پرورش بدهند که توجهی نکنند آخرین حرف من این است اگر کسی از عرایضم دلخور شده میبخشد توفیق آقای نخست وزیر را در کارهایی که دارند از خداوند متعال خواستارم این شعر هم هست که برای حسن ختام میخوانم.

الها بدرمان توانایم ده
بباطن مرا نور بینایم ده
خسونت کندگر که بیمار بامن
خدایا تو صبر و شکیبایم ده
الها عطا کن تو توفیق کارم
ز خدمت بمخلوق خود و امدارم
تو میسندهر گز ز روی غروری
به بیمار رنجور منت گذارم (آفرین - احسنت)

رئیس - آقای دکتر زهرانی بفرمائید.

دکتر زهرانی - بنام پروردگار توانا و بنام نامی شاهنشاه آریامهر ریاست معظم مجلس شورای ملی، نمایندگان محترم، لازم میدانم قبل از آغاز عرایض خود بعنوان موافق پیرامون بودجه سال ۱۳۵۲ کل کشور، به اختصار درباره رویدادهای مهمی که در اسفندماه بوقوع پیوست و برای ملت ایران روزهای حیات بخش و پراح و درخشانی است مطالبی را بعرض ساحت مقدس مجلس شورای ملی برسانم.

از مهمترین رویدادها روز ۲۴ اسفند ماه سالروز تولد اعلیحضرت رضاشاه کبیر بنیانگذار ایران نوین را میتوان نام برد. مشیت پروردگار یکتا که همیشه حافظ مرز و بوم مقدس ما است بر این شد که در ۲۴ اسفندماه ۱۲۵۶ فرزندی را بعلمت ایران اعطا فرماید تا در کانون پرمهر و محبت خاندانی اصیل و ایرانی درس فضیلت و تقوی و مین پرستی آموخته و در پرتو ایمان پروردگار باشوق خدمت بمین عزیز و متنوعان خویش با اراده ای آهنین و انجام کودتای سوم اسفندماه ۱۲۹۹ که روز پرمیمت دیگری از اسفندماه است با تشکیل پادشاهی دودمان خجسته بهلولی زمام امور از هم گسیخته کشور را بدست با کفایت خود گیرد (احسنت).

اعلیحضرت رضاشاه کبیر در سایه پادشاهی پرخیز و برکت خود کشور و ملت ایران را از پرتگاه از هم گسیختگی رهایی بخشید.

از اقدامات آن رادمرد بزرگ و سردار ملی ایجاد ارتش نوین و مجهز - بایان خانخانی - ایجاد دانشگاه - اعزام محصلین ایرانی بخارج - ایجاد راهها و راه آهن - سیستم مواصلاتی کارخانجات و سوادآموزی و تأمین بهداشت و درمان را باید نام برد.

درد بیکران ملت ایران برون پاک رادمرد بزرگی که بحق بنیان گذار ایران نوین گردید و استقلال و آزادی ملی و میهنی ما را جاودانگی بخشید (احسن).

اعلیحضرت رضاشاه کبیر در دامان پرمهر و محبت خود درس میهن پرستی و انسان دوستی را بفرزند پندرومند خود اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر آنچنان آموخت که امروز در دوران زرین پادشاهی آریامهر و در سایه بهره‌وری از پدیده‌های شکوفان انقلاب شاه و ملت پیشرفتهائی رسیدیم که توانستیم بایرگداری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بنیادگذاری شاهنشاهی ایران نه تنها ستایشگر افتخارات کهن خود باشیم بلکه نمایانگر پیشرفت‌های همه‌جانبه خود که دست آورد انقلاب شاه و ملت است گردیم. از رویدادهای دیگر اسفندماه ملی شدن صنعت نفت ایران را باید نام برد که برهبری شاهنشاه آریامهر و پشتیبانی بیدریغ افراد ملت ایران بعمل آمد.

در سایه رهبریهای خردمندان و ارشادهای حکیمانانه رهبر عالیقدرمان شاهنشاه آریامهر در آمدن نفت ما که از زمان داری تاسال قبل از انقلاب مجموعاً ۲۳۰۰ میلیون دلار بوده فقط در یکسال دوران انقلاب به ۲۴۰۰ میلیون دلار بالغ گردیده است یعنی یکسال درآمد معادل بایش از ۵۰ سال.

این مسئله برای ملت ایران غرور انگیز است و نشانه پیروزی ایران در سیاست نفتی است.

پیروزی اخیر ایران در مذاکرات نفت که برهبری و درایت شاهنشاه آریامهر و پیرو فرمایشات ملوکانه در کنگره بزرگداشت دهه انقلاب شاه و ملت بدست آمدن نویدبخش پیشرفت‌های باز هم بیشتر ملت ایران در راه سازندگی و بهروزی همگانی است.

دیگر از رویدادهای اسفندماه تأسیس کارخانه ذوب آهن آریامهر است که با بهره برداری از آن این آرزوی دیرینه سردار رشید و دلیر ایران اعلیحضرت رضاشاه کبیر و ملت ایران بدست توانای شاهنشاه آریامهر تحقق پذیرفت. ذوب آهنی که ره‌گشای پیشرفت‌های نوین و گوناگون صنعتی کشور است.

دیگر از رویدادهای مهم اسفندماه، برخورداری نیروی عظیم آزاد زنان قهرمان کشور ایران از حقوق سیاسی و اجتماعی است.

زنانی که جزو مهجورین و فراموش شدگان بودند هم‌اکنون در دوران زرین شاهنشاهی پهلوی، دوشادوش آزاد مردان جامعه انقلابی ما در کلیه شئون سیاسی و اجتماعی میهن عزیز شرکت داشته و در راه پیروزی آرمان‌های ملی و میهنی شایستگی خود را ابراز داشته‌اند که همکاران محترم در این زمینه چندی قبل مشروحاً فرمایشاتی قبلاً نموده‌اند.

همچنین در اسفندماه صدها رویداد و اقدامات فرهنگی - آموزش بهداشتی - عمرانی و غیره در راه پیشرفت مردم ایران آغاز و انجام یافته که از ذکر آنها بعلت بحث در لایحه بودجه خودداری می‌نمایم.

نیایش بدرگاه پروردگاری که سرزمین یزدانی و آریائی ما را که گهواره تمدن و مهد دانش چند هزار ساله و شاهنشاهی جاویدان و پرافتخار ۲۵۰۰ ساله کوروش تا پهلوی است پس از سده‌های بشماراز گذرند رویدادهای ناگوار تاریخی که هر یک برای نابودی ملتی کافی بود با پایمردی ملت قهرمان ایران پیروز و استوار، سرافراز و برقرار جاودانگی بخشیده است (احسن).

سپاس بی‌پایان و درود بیکران ملت ایران به شاهنشاه آریامهر که در سایه پادشاهی پرخیز و برکت و رهبریهای خردمندانه معظم له با ایجاد ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی و بهره‌گیری از پدیده‌های ثمربخش انقلاب شکوفان شاه و ملت نام ایران و ایرانی را در سراسر پهنه گیتی بلند آوازه ساخته و ملت ایران را به سوی تمدن بزرگ رهنمون میفرمایند (احسن).

رهبر عالیقدر ملت ایران در یکی از فرمایشات خود چنین میفرمایند:

ما در این منطقه از دنیا بخواست خداوند و باهمت مردم ایران چنان مملکتی خواهیم ساخت که از هر جهت با پیشرفته‌ترین ممالک جهان برابری کند، مملکتی خواهیم ساخت که کشور آزادگان و سرزمین آزادمردان و آزاد زنان باشد و در آن نبوغ ایرانی بتواند در محیطی بارور و منزه و دور از فساد قدرت و خلاقیت جاودانی خویش را که راز بقای این ملک و ملت است بهتر و بیشتر از هر وقت دیگر جلوه‌گر سازد.

در پرتو انقلاب مقدس شاه و ملت

روستائیان، آزاد شده از اقتصادی مثبت و مستقل و سالم بهره‌مند شدند و پس از قرن‌ها از جور و ستم از باب استعمار گرهائی یافتند.

ملی شدن جنگلها و مراتع - ثروت خداداد ملی را بمالکیت عمومی در آورد.

فروش سهام کارخانجات دولتی بعنوان پشتوانه اصلاحات ارضی چه برای تأمین قسمتی از اعتبارات لازم جهت اجرای قانون اصلاحات ارضی و چه برای ارشاد و هدایت و تشویق مردم در امر سهیم شدن کارخانجات و اداره آنها بصورت شرکت سهامی سبب شد تا افراد ملت در کارهای تولیدی و اقتصادی کشور خود دخالت بیشتر بنمایند.

سهیم شدن کارگران در سود کارگاهها و خرید سهام کارخانجات سود بخش با حق اولویت آنان در خرید، که فقط و فقط از مظاهر عالی و ثمربخش انقلاب اجتماعی ایران است سبب تأمین رفاه بیشتر کارگران گردیده و نه تنها کارگران را از سود بیشتری بهره‌ور میسازد بلکه بازده کار مثبت را افزایش داده از ساعات گم کرد کارگانه و در مرغوبیت محصول و بازده کارخانه‌ها تأثیر بسزائی داشته است.

انقلاب شاه و ملت فرمان بخشید تا نیروی عظیم زنان را که پیراموشی سپرده شده بود بخدمت اجتماع و در راه پیشرفت کشور و سازندگی درآیند.

با تشکیل سپاه دانش - سربازان انقلاب در صف مقدس جهاد بر علیه نادانی و جهل که عامل مهمی از ایجاد مشکلات و رویدادهای ناگوار است مشعل فروزان و فروغ جاویدان دانش و سعادت و نیکروزی را با خود بروستاها بردند.

سپاهیان بهداشت بیک‌های سلامت بخش و شادی آفرین خدمات بهداشتی درمانی را از سوی رهبر انقلاب شاه و ملت به نیازمندترین توده اجتماع که حتی قبل از انقلاب شاه و ملت به یک قرص آسپرین هم دسترسی نداشتند و سلامت آنها دستخوش رمالان و دعانویسان بود. در سنگر اولیه مبارزه بر علیه بیماریها به ارمغان بردند سپاهیان ترویج و آبادانی در بهروزی و بهزیستی روستائیان در پرتو همکاری و هم‌گامی و هم‌فکری با سایر سپاهیان انقلاب پیشرفت‌های شایان تحسینی را سبب شدند.

تشکیل خانه‌های انصاف در تعمیر و گسترش عدالت اجتماعی نمودار بارزی از عدل پهلوی است که اصول عدالت اجتماعی را مبنی بر سپردن کار مردم بدست مردم در روستاها بدست خود روستائیان سپرد.

ملی شدن آنها - نوسازی کشور و انقلاب اداری و آموزشی و بطور کلی دست‌آوردهای فردی و اجتماعی منشور انقلاب مقدس شاه و ملت هر یک بطور مستقیم و غیر مستقیم در سلامت جسمی و سلامت اقتصادی و اجتماعی و سلامت فرهنگی و آموزشی نقش مهم و اساسی را داشته و تکامل بخش یکدیگر بوده و ملت ما را بسوی تمدن بزرگ رهنمون گردیده است.

سپاس به پیشگاه شاهنشاه آریامهر که در سایه ثمربخشی از منشور انقلاب شاه و ملت و رهبری‌های اندیشمندان و تعالیم و ارشادهای حکیمانانه - ملت ایران به پایه‌ای از رشد و پیشرفت رسیده است که دولت حزبی جناب آقای هویدا خدمتگزار صدیق شاه و ملت چنین بودجه عظیم و متعادل و تلفیقی را که در تاریخ مشروطیت ایران بی‌نظیر است و بحق باید آنرا بودجه رفاه همگانی نامید همزمان با سرآغاز دهه دوم انقلاب و اجرای برنامه عظیم عمرانی پنجم به ساحت مقدس مجلس شورای ملی تقدیم داشته‌اند.

در ملاحظه بودجه سال ۵۲ با توجه به ارقام هزینه‌ها و برنامه‌ها و هدف‌ها و مقایسه آن با بودجه قبل از انقلاب شاه و ملت، هر ایرانی احساس غرور و توأم با تحسین و تمجید و ستایش می‌نماید.

اگر بطور خلاصه تاریخچه بودجه را بررسی کنیم ملاحظه می‌شود که قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که ملت

شریف ایران بار دیگر پیوند ناگسستنی شاه و ملت و ایمان راستین خود را به آئین شاهنشاهی ایران به ثبوت رسانید و وضع بودجه بصورت پله بود. و بر رای تأمین حقوق کارمندان دولت و هزینه های جاری مبلغ پله رانیز گاهی قرض می کردند پس از قیام ملی ۲۸ امرادماه که کشور ما از ثبات و آرامش و امنیت اجتماعی بی نظیری برخوردار گردید در سال ۳۵ بودجه ای تنظیم شد که ۱۹ میلیارد هزینه و با کسری ۴ میلیارد و مبلغ ۱۵ میلیارد درآمد نشان میداد.

اولین بودجه برنامه ای تاریخ مشروطیت ایران را در سال ۱۳۴۳ دولت جناب آقای هویدا تهیه و تدوین و تقدیم به مجلس نمود و بعد هادری برنامه چهارم عمرانی کشور تکمیل بیشتری یافت و امروز بحث مادر باره بودجه - ایست که تنها سند خرج و دخل نیست بلکه نمایانگر برنامه سیاست مالی و قدرت اقتصادی دولت هم آهنگ و متناسب با نیازها و هدف ها در راه پیشرفت های روز افزون ملت ایران می باشد.

در این بودجه سیاست های مالی و اقتصادی دولت از نظر انواع و اجزاء هزینه ها و درآمدها و بازده سازمانها و دستگاه های دولتی به میزان پولی که خرج می شود مشخص گشته است.

بودجه مورد بحث نه تنها نمودار فعالیت و مخارج یکساله عادی دولت است بلکه نمودار بسیاری از عملیات آموزشی و توسعه اقتصادی و کشاورزی و صنعتی و بهداشتی درمانی و عمرانی کوتاه و بلند مدت دیگری است که با میزان نزدیک به ۶۹۳ میلیارد ریال بودجه ایست بی سابقه متعادل که نسبت به اولین بودجه تدوینی سال ۱۳۳۵ بیشتر از ۴۶ برابر افزایش یافته و نسبت به بودجه سیال ۵۱ نزدیک به ۲۴٪ افزایش یافته است.

بودجه ۶۹۳ میلیارد ریالی سال ۵۲ نمایانگر قدرت مالی دولت در اجرای برنامه های رفاه همگانی و اعتلای جامعه انقلابی ایران از یکسو و نمودار نیروی فنانا پذیر ملت قهرمان ایران در انجام برنامه های تدوین شده از سوی دیگر میباشد.

بودجه ۵۲ در قالب نوین تلفیقی - تکامل یافته - پرتحرک با تأمین اشتغال های جدید و سازنده زیربنای

برنامه عمرانی پنجم عمرانی کشور در راه گسترش روز افزون رفاه عمومی و تقسیم عادلانه تر در آمد سرانه فزون تر بایند تدوین و تقدیم گردیده است. در بررسی بودجه کاملا مشهود است که توجه خاصی به تأمین سلامت و بهزیستی افراد اجتماع شده است و برای تهیه و تدارک خدمات مربوط، دولت دارای دو نظام بهداشتی و درمانی است.

باتوجه به مسئله کمبود پزشک و نیروی انسانی تعلیم یافته و زبانهای - جسمی - اقتصادی - صنعتی و اجتماعی بر خود لازم میدانم در مورد برتریهای نظام بهداشتی و توجه مخصوص دولت به این مسئله در بودجه به این مسئله مطالبی را به استحضار همکاران محترم برسانم.

با گسترش بهداشت از خطر ابتدای به بیماریها کاسته می شود.

کاربرد نیروی پزشکی تعلیم یافته که با کمبود آن مواجه هستیم تقلیل مییابد.

همکاران ارجمند اطلاع دارند که در کشورهای پیشرفته و رو به جهش مانند ایران بخصوص در کشورهایی که وقت و نیروی کار ملت ارزش دارد و دقیقه ای نباید در برود بیمار شدن نه تنها باعث تلفات و عوارض میشود بلکه باعث میشود که بنوبه خود این بیمارها بخصوص بیمارهای عفونی بدیگران هم سرایت کند و وقت مهمی از جامعه و افراد ملت تلف بشود که از نظر اقتصادی خسران ایجاد خواهد شد. باتوجه بآنکه اگر روزهای غیبت در کار را در نظر بگیریم این رقم سرسام آور خواهد شد در کشور ما در دوران انقلاب بنحو فاحشی از بروز بیمارها جلوگیری می شود و از نظر اقتصادی بیماری پذیری اجتماع باعث می شود که رقم مهمی از بودجه صرف درمان بشود در حالیکه اگر مایک ریال در امور بهداشتی صرف کنیم شاید بیش از چند هزار ریال در امر درمانی از این یک ریال سرمایه گذاری استفاده خواهیم کرد لذا دولت حزبی جناب آقای

هویدا در حالیکه توجه مخصوص به مسئله درمان دارند و رقم چشم گیری را باین مسئله اختصاص داده اند تراصلی دولتشان اینست که بمرحله بیماری ناپذیری برسیم. یعنی اصولا برنامه دولت اینست که همزمان با اجرا و تدارک خدمات درمانی برای مردم به امر ریشه کنی در بیماریها

بردارند و در این زمینه موفقیت های چشم گیری داشته ایم مسأله دیگری که برتری نظام بهداشتی را به نظام درمانی روشن می کند مسأله کمبود پزشک و کمبود نیروی انسانی پزشکی است این امر مربوط به کشور ما تنهائست حتی پیشرفته ترین کشورهای جهان با الهام از اصل انقلاب ایران یعنی سپاه بهداشت به تشکیل سپاه پزشکان پرداخته اند در حالیکه در یک شهر بزرگ تعداد کثیری متخصص و طبیب هست ولی در همان کشور روستاها از نعمت طبیب کافی برخوردار نیستند بهمین جهت با هزینه بسیار گزافی نوعی سپاه بهداشت تشکیل داده اند و از نیروی این پزشکان برای روستاهایی که پزشک باندازه کافی ندارند یا هیچ ندارند استفاده میکنند. در این مورد مجله تایم آمریکا در شماره ۲۳ بهمن ماه ۱۳۴۹ مقاله جالبی نوشته که توجه همکاران محترم را که بخواهند مطالعه بیشتری بفرمایند بآن جلب می کنم. آنچه لازم است گفته شود اینست که حدود ۰/۳٪ از پزشکان کشور قبل از انقلاب شاه و ملت در روستاها خدمت میکردند و امروز در پرتو بهره وری از انقلاب بخصوص خدمات ارزنده سپاه بهداشت این تعداد به ۰/۲۲٪ رسیده یعنی بیش از ۷ برابر شده است و برای دولت حزبی که مجری منویات شاهنشاه آریامهر است افتخاری بزرگ است که بدولت جناب آقای هویدا تبریک میگوئیم. این ۰/۲۲٪ پزشک و نیروهای کمکی که در اختیار دارند در ۱۴ هزار قریه حدود ۶۵ میلیون نفر را در زیر پوشش بهداشتی درمانی خود می گیرند. بارها در مجلس شورای ملی صحبت از کمبود پزشک شده است.

باید عرض کنم که این یک مسئله حاد جهانی است و عواملی در این کمبود مؤثر است که تا آن عوامل حل نشود کمبود پزشک روز بروز رو بتزايد است. یکی از مسائلی که در مورد کمبود پزشک نقش اساسی دارد مسئله افزایش جمعیت است خوشبختانه با برنامه های ارزشمند و بسیار سودمند جمعیت تنظیم خانواده وزارت بهداشتی، در سال ۵۱ از ۱۰۵ هزار تولد ناخواسته جلوگیری شده و طی برنامه هایی که در دست اجراست و با دنبال گیری آن برنامه ها پیش بینی میشود که در سال ۵۲ از ۱۵۰ هزار تولد ناخواسته جلوگیری بشود یعنی در حدود ۰/۵۰٪ بیشتر

از سال ۵۱، رشد جمعیت فعلی ایران در حال حاضر ۰/۳٪ است و پس از پایان برنامه پنجم با پیش بینی هایی که شده است به ۰/۲٪ خواهد رسید نکته مهم در این افزایش جمعیت این است که در دو قطب ابتدا و انتهای زندگی پیدا میشود و بخصوص این دودسته هستند که نیاز بیشتری بپزشک و خدمات پزشکی دارند ملاحظه بفرمائید که روز بروز اهمیت کمبود پزشک بیشتر و پیچیده تر میشود. بنده در حضور جناب آقای نخست وزیر باید عرض کنم که چندی قبل عرایضی در فراکسیون پارلمانی حزب ایران نوین نمودم. جناب آقای نخست وزیر در پرتو بهره وری ملت از انقلاب شاه و ملت و رشد اقتصادی و فرهنگی و رشد آموزشی و رشد بهداشتی که نه تنها ما میگوئیم بلکه در همه جای دنیا میگویند. وقتی ما از مرز بیرون میرویم بهتر متوجه میشویم بنده در جریان مسافرت بحج از نزدیک دیدم و شنیدم که برادران مسلمان ما همه میگویند که پیشرفتهای چشمگیری کرده اید و این پیشرفتهای را مرهون رهبریهای خردمندانه شاهنشاه میدانستند. بنده باید بگویم که در سایه این پیشرفتهای و این بهره وریها طول عمر افراد ملت اضافه شده است و این مسئله خیلی ساده ای نیست. یکی از نشانه هایی که نمایانگر يك اجتماع رو پیشرفت است درصد سالمندان آن اجتماع است (و منظور بنده از سالمندان اشخاص بالاتر از ۶۵ ساله است) بطوریکه در کشورهای خیلی پیشرفته بخصوص از نظر بهداشتی - درمانی امروز این رقم به ۰/۱۳٪ جمعیت رسیده و این مسئله برای ما هم از هم اکنون بچشم میخورد که در دوران انقلاب افراد ملت طول عمر بیشتری پیدا کردند و انسان هرچه بسنین سالمندی نزدیکتر میشود دفعات بیماریش بیشتر میشود و وقتی بیمار شد دوره بیماری و نقاهتش طولانی تر میگردد و تخت خواب بیمارستان را بیشتر اشغال میکند. باید عرض کنم که يك تخت خواب بیمارستانی بازدهش برای افراد جوان بین ۱۲ تا ۲۴ مرتبه بیمار در سال است در صورتیکه این رقم برای سالمندان از ۴ الی ۶/۶٪ میرسد و این نشان میدهد بهبودی وضع مردم و بهره وری اجتماع انقلابی ایران که باعث طول عمر شده خود نیاز بهداشتی

درمانی را زیادتر کرده است و بنده خوشحالم که دولت حزبی در راه رفاه بیشتر اقدامات در این مورد اقدام کرده است. بخصوص در مورد کارمندان بازنشسته دولت که ۱۵٪ بحقوق مستمری آنها اضافه کردند و بنده از دولت حزبی بخاطر این اقدام تشکر می‌کنم (صحیح است). دومین مسئله که در مورد کمبود پزشک و مسئله جمعیت نقش مهمی دارد کم شدن مرگ و میر است بنده باینکه وقت مجلس شورای ملی را زیاد میگیرم بوزش طلبیده. فقط به ارقامی اشاره میکنم تا توجه همکاران محترم جلب شود در دوره انقلاب ۴۶٪ از مرگ و میر کودکان در روستاها کم شده این مسئله از نظر جمعیت تنظیم خانواده نهایت اهمیت را دارد در حالیکه جمعیت تنظیم امور خانواده به برنامه کنترل جمعیت ادامه میدهد تا که فرزندان ناخواسته‌ای پیدانشود در همان حال کودکان و اشخاصی که در اثر بیماری قبل از انقلاب در روستاها میمردند حالا دیگر ۴۶٪ از آنها نمیمیرند. گاه گاهی در جراید میخواندیم که بیماری مرموزی آمده در فلان ده و اینقدر کشتار کرده بعد که یک پزشک میرفت معلوم میشد آن بیماری مرموز جز سرخک و بیابیماری عفونی دیگر چیز دیگری نیست امروز از برکت وجود سپاهیان انقلاب این بیماریها از روستاها ریشه کن شده در سابق ۵۰۰۰۰ نفر در سال از سرخک میمردند حالا نمیمیرند و این رقم به افزایش جمعیت کشور رقم مهمی را مینماید. مسئله سوم که به کمبود پزشک کمک می‌کنند اینست که حتی در ممالک پیشرفته باینترتبه ترین اقتصادها و تکنیکها هر قدر بخواهند سیستم‌های الکترونیک و محاسبه گرهارا به کمک بگیرند، افزایش جمعیت با تعداد پزشکان و نیروی پزشکی کمکی انسانی مثلا در مدت ده سال تقارن و هماهنگی ندارد بطوریکه همیشه این کمبود هست و روز بروز این کمبود بیشتر میشود لهذا دولت حزبی توجه خاصی به مسئله بهداشت افراد ملت دارد که اصولاً از بیمارها جلوگیری شده، ریشه کن شود و بنده لازم میدانم اقداماتی را که در این مورد شده بعرض برسانم. یکی از راههایی که بامسأله کمبود پزشک و نیروی پزشکی انسانی میشود مبارزه کرد این است که نیروی موجود فعلی را به کمک گرفت و حداکثر استفاده را از نیروی موجود نمود این مسأله ایست که اصل هفتم

انقلاب شاه و ملت، ملت ایران را از این موهبت بهره‌ور نمود برای تأمین و تدارک خدمات بهداشتی درمانی در روستاهای کشور که توده نیازمند مردم را تشکیل میدهند رهبر عالیقدر ملت ایران چنین میفرماید: «بمنظور تعمیم آسایش جسمی و مداوای مرض و بهداشت عمومی مقرر میداریم از پزشکان فارغ التحصیل و لیسانسیه‌ها سپاه بهداشت تشکیل شود که بطور گرو و ههای بسیار دردهات و نقاط بی بهره از امکانات به خدمت مشغول باشند. باشد که این قدم آنها مثل سپاه دانش در تکمیل سازندگی اجتماع امروز ایران نوین قرین موفقیت باشد».

همانطور که همکاران محترم استحضار دارند سپاه بهداشت از بدو تشکیل تا کنون ۲۱۰۶ پزشک ۲۴۲ دندانپزشک ۳۸۵ دکتر داروساز ۱۱ دکتر دامپزشک ۳۹۲ لیسانسیه رشته‌های مختلف پزشکی کمک پزشکی ۶۲۲۹ دیپلمه کمک پزشکی در ۳۲۷۶ گروه پزشکی در مراکز اصلی و بصورت تیم های ثابت و سیار ۳۴۳ درمانگاه احداث شده در ۱۴۰۰۰ قریه افتخار خدمت به خواهران و برادران روستائی آزاد شده بفرمان رهبر اندیشمند انقلاب شاه و ملت را داشته‌اند. بنده از تمام خدمات سپاهیان بهداشت بخواهم عرایضی عرض کنم مدت زیادی وقت میگیرد بنده نمیگویم حتماً این ۱۸ میلیون نفر مریض میشدند ولی بجزرئت میتوانم بگویم ۱/۱ خطر ابتلای به بیماری را داشته‌اند و شاید صد درصد آنها میمردند باملاحظه این مسأله پی خواهیم برد که این امر از نظر انسانی و اقتصادی چه ارزش حیاتی داشته و دارد و چه خدمتی در روستاها نموده است. از نظر جبران گم کرد کاربرد دهقان چقدر خدمت شده تا جلوی این گم کرد کار و اتلاف هزینه گرفته شود. دهقانی که میبایست فرسنگها پیاده راه برود تا شاید جسد بچه اش را به یک طبیب مجاز برساند آنها را اگر پیدا میشد. ولی امروز سپاهی در منزل آن دهقان را میزند و از سوی رهبر انقلاب میگوید من برای مداوای فرزندان تو آمده‌ام. سپاهیان بهداشت در حدود ۲۵ میلیون نفر بیمار درمان نموده‌اند در این مدت بیش از ۵۰ هزار نفر هر سال از سرخک میمردند که دیگر نمیمیرند و این مسأله خود رقم مهمی را در افزایش جمعیت نشان میدهد، بیش از صد هزار نفر را

به بیمارستانها معرفی کردند. مهمترین کاری که سپاهیان بهداشت انجام دادند آموزش بهداشتی است و آن چیزی است که زیر بنای پیشگیری را که خود سه مرحله دارد بنیان می‌گذارد. در اجرای برنامه آموزش بهداشتی ۵۲۷۱۰۶۰ بار طبق آمار موجود تا بهمن ماه ۱۳۵۱ سخنرانیهای بهداشتی برای روستائیان ترتیب دادند و مسائل اولیه بهداشت را به روستائیان آموخته‌اند. در مورد کمک‌های دیگری که انجام داده‌اند از واکنسیناسیون تا بل‌سازی و جاده‌سازی و ایجاد اماکن بهداشتی که بیش از ۳۲ موضوع را در بر می‌گیرد در روستاها بروستائیان آموخته و می‌آموزند. بنده در مورد سپاهیان بهداشت گوا اینکه شرح خدمات آنان را در این مدت کم نمیتوان بیان کرد بیش از این صحبت نمی‌کنم و اقداماتی که دولت در زمینه بهداشت، درمان در سال ۵۱ نموده است بعرض ساحت مقدس مجلس شورای ملی میرسانم: نگهداری ۲۴۵ مرکز بهداشتی درمانی روستائی ۲ - تجهیز و نگهداری ۱۵ مرکز بهداشتی درمانی روستائی جدید ۳ - بهبود استاندارد ۱۰۰ درمانگاه روستائی ۴ - نگهداری ۱۰ مرکز بهداشتی درمانی شهری و تجهیز و نگهداری یک مرکز جدید و غیره که اگر بخواهم تمام ارقام را بخوانم وقت زیاد میگیرد. همراه باندارک خدمات درمانی و بهداشتی دولت به مسأله مهمی که تربیت نیروی انسانی است توجه کرده البته بنده از ذکر ریز ارقام که چندان پرستار و بهیار و تکنسین و سایر افرادی که پزشکی تعلیم یافته و آموزش دیده‌اند خودداری میکنم. نگهداری یک آموزشگاه مامائی شهر ری و ایجاد دو آموزشگاه جدید کرمانشاه، مشهد، نگهداری ۱۵ آموزشگاه مامائی روستائی. باید توجه همکاران محترم را بخصوص همکاران طبیب را که در شهرستانها بخدمت کرده و می‌نمایند به این موضوع جلب کنم از یک طرف دولت به تربیت ماماها و روستائی پرداخته و از طرف دیگر جزو خدمات ارزنده‌ای که سپاهیان بهداشت در روستاها انجام میدهند تربیت ماماها و قدیمی روستائی است. بنده بادم می‌آید جناب آقای هویدا، ۱۴ سال قبل در گنبد کاوس طبابت میکردم شاید در حدود ۲۰-۳۰ مورد کزاز بچه در ماه میدیدم که تمام آنها میمردند و این بعلت آن

بود که آن تیغ آلوده را که مامای محلی از زیر بند بیرون می‌آورد و بند ناف بچه را میبرد بچه را مبتلی به کزاز مینمود بنده در مسافرتی که چندی پیش به حوزه انتخابی نمودم و بایکی از همکاران صحبت میکردم که آیساکزاز و سیاه زخم می‌بیند؟ اظهار میداشت واقعاً از موارد نادرست و اینها در سایه تعلیماتی است که سپاهیان انقلاب بماماها و روستائی میدهند و دولت در این جاتوجه زیادی به ماماها و روستائی نموده است. انجام ساختمان سه مرکز بهداشت درجه ۱ و شروع ساختمان دو مرکز بهداشت درجه ۱. بسایند بساطلاع ساحت مقدس مجلس شورای ملی برسانم که در دوران انقلاب تراخم و کچلی اینها گرفتاریهایی بود که قبل از انقلاب داشتیم. خوشبختانه در بسیاری از نقاط ریشه کن شده است و در خیلی از نقاط در شرف ریشه کنی است حتی از یکی از همکاران محترمی که حوزه انتخابیه ایشان به داشتن تراخم معروف بوده است وقتی سؤال کردم معلوم شد که ریشه کن شده است البته در این مورد باید خدمات ارزنده سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی را نیز نام برد. اما درباره برنامه سال آتی دولت در بودجه سال ۱۳۵۲، سهم هزینه‌های بخش امور اجتماعی در کل مصارف بودجه را از ۱۷/۶٪ در سال ۵۱ به ۲۲ درصد در سال ۵۲ افزایش داده است که سهم عمده بخش امور اجتماعی (تزدیک بنصف) به توسعه هر چه بیشتر و بهبود هر چه کاملتر آموزش و پرورش در سطوح و انواع و مناطق مختلف اختصاص داده شده است بهداشت و درمان و تغذیه با نزدیک ۱۷ درصد تأمین مسکن در حدود ۱۴ درصد و رفاه و تأمین اجتماعی با قریب شش (۶) درصد بترتیب بالاترین سهم را از هزینه های امور اجتماعی بخود جلب میکنند.

از این اعتبار ۱۷/۶۰۰ میلیارد ریالی.

مبلغ ۱۷۴/۶۷۶/۰۰ میلیون ریال صرف آموزش فنی و تربیت حرفه‌ای و نیروی پزشکی انسانی در زمینه‌های بهیاری - مامائی روستائی خواهد شد.

مبلغ ۱۸۵/۳۵۰ میلیون ریال صرف آموزش عالی برای تربیت پرستار - ماما - تکنسین های آزمایشگاهی - کمک مهندس بهداشت - کمک بهماز خواهد شد.

باتوجه به هدف‌های برنامه پنجم عمرانی کشور در سال ۵۲ مبادرت بساختن ۶۵ مرکز بهداشت اصلی و

۵۰ مرکز بهداشت فرعی خواهد شد و اعتبار پیش‌بینی شده این برنامه در سال ۱۳۵۲ بالغ بر ۳/۵۸۱ میلیارد ریال می‌باشد که نسبت به اعتبار سال ۱۳۵۱ حدود ۵۸٪ افزایش نشان می‌دهد.

از آنجا که برنامه کاهش موالید یک برنامه اساسی وزیربنائی است که تحقق هدف‌های آن به‌حل بسیاری از مسائل اجتماعی و اقتصادی کمک خواهد کرد. دولت در این زمینه با اتخاذ تدابیر لازم بحل مشکلات اجرایی این برنامه اقدام نموده تا هدف‌های دراز مدت آن بطور مطمئن تحقق یابد.

رشد جمعیت فعلی که در حدود ۳/۱ درصد است که با اجراء وی‌گیری این برنامه سودمند وی‌گیری آن در پایان برنامه پنجم به ۲/۶ درصد خواهد رسید.

اعتبار این برنامه در سال ۵۲ بالغ بر ۸۷۷ میلیون ریال می‌باشد که نسبت به اعتبار مشابه سال ۵۱، ۳۳ درصد فزونی یافته است.

با توسعه فعالیت‌های بهداشت و تنظیم خانواده در سال ۵۱ از ۱۰۵ هزار تولد ناخواسته جلوگیری شده و با ادامه و گسترش آن در سال ۵۲ از ۱۵۰/۰۰۰ تولد ناخواسته جلوگیری خواهد شد.

در مورد برنامه خدمات درمانی سهم اعتبار پیش‌بینی شده بالغ بر ۸/۹۲۸ میلیارد ریال است که نسبت به اعتبارات سال ۵۱ حدود ۳۴٪ افزایش یافته است، در گسترش خدمات درمانی.

در سال آتی با در نظر گرفتن جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و کادرفنی، بیمارستان‌های بزرگ منطقه‌ای و مراکز درمانی آقماری ساخته خواهد شد.

در طول برنامه پنجم تعداد ۲۴۵۰۰ تخت جدید بیمارستانی ایجاد خواهد شد که ۷۰۰۰ تخت آن بصورت بیمارستان‌های بزرگ منطقه‌ای پیش‌بینی شده که مقدمات ایجاد آنها در سال ۵۲ شروع می‌گردد و هم‌چنین ۷۱۲۰ تخت بیمارستانی در سال ۵۲ شروع و با ادامه ساختمان خواهد یافت که حدود ۲۰۰۰ تخت بیمارستانی در سال ۵۲ آماده بهره‌برداری خواهد شد.

در بودجه سال ۵۲ اعتبار مرکز پژوهشی و تربیت حرفه‌ای و آموزش عالی و درمانی مرکز پزشکی فیروزگر

از حدود ۱۷۰ میلیون ریال به حدود ۲۰۱ میلیون ریال افزایش یافته است.

در زمینه تحقیق و بررسی‌های بهداشتی و تقویت مؤسسات پژوهشی دانشگاهی دولت اعتباری با میزان ۲۸۶ میلیون ریال منظور نموده است که نسبت به سال ۵۱ حدود ۶۲٪ افزایش یافته است.

خدمات بهداشتی - درمانی روستائی. در تأمین نیازهای بهداشتی درمانی جامعه روستائی ایران هزینه برابر ۲۹۷۴۰۰۰ میلیارد ریال تخصیص یافته که بامور درمان سرپائی، پیشگیری و کنترل بیماری‌های واگیر - تأمین بهداشت مادر و کودک و از جمله تنظیم خانواده و تغذیه و آموزش بهداشتی که از مهم‌ترین نیازهای جامعه روستائی است تخصیص داده خواهد شد که نسبت به سال ۵۱ حدود ۴۷۰ میلیون ریال افزایش یافته است.

اجرای برنامه بهم پیوسته خدمات بهداشتی - تنظیم خانواده - کمک‌های غذایی و آموزش حقه‌ای برای ۱۰۰۰۰ کودک کمتر از سه سال و مادران آنها در استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان و فارس و کرمانشاهان بوسیله وزارت بهداشتی بعمل خواهد آمد.

از نظر بهبود تغذیه در بودجه سال ۵۲ مبلغ ۳۱۴ میلیون را جهت این امر تخصیص داده شده است که نسبت به سال قبل ۵۱٪ افزایش یافته است، بشرح زیر:

الف - کمک به تغذیه ۴۲۰ هزار نفر دانش آموز کودکستانی و دبستانی مناطق شهری و روستائی کشور بمدت ۱۰۰ تا ۱۵۰ روز در سال بوسیله وزارت آموزش و پرورش - تعاون و امور روستاها و انجمن ملی حمایت کودکان

ب - کمک به تغذیه ۵۰۰۰ خانواده کارگر طرح‌های عمرانی استان سیستان و بلوچستان بوسیله استانداری.

ت - تکمیل و بهره‌برداری از کارخانه مواد غذایی کودک بظرفیت تولید ۲۰ تن در سال.

ث - مطالعه کیفیت و تغییرات وضع تغذیه کشور با توجه به جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی آن بمنظور تنظیم برنامه‌های آتی.

استخدام ۲۰ نفر متخصص تغذیه جهت امور برنامه ریزی ارزش‌یابی کشور.

در مورد صنایع غذایی - گسترش تکمیل سردخانه‌های موجود و گسترش کارخانه‌های شیر پاستوریزه دولت اعتبار قابل توجهی را تخصیص داده است. بنده در اینجا لازم میدانم که از اقدامات بسیار ارزنده کلیه سازمان‌های بهداشتی درمانی کشور از قبیل سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی جمعیت‌های نیکوکاری تحت ریاست و نظارت عالی‌علیه حضرت فرح‌بهلوی شهبانوی نیکوکار - جمعیت شیروخورشید سرخ ایران و دانشگاه‌ها که در تأمین سلامت افراد ملت سهم وافری دارند قدردانی و تشکر بنمایم.

مسئله‌ای که در تأمین رفاه افراد ملت بسیار مؤثر است مسئله بیمه درمانی است. دولت در سال ۵۲ مبلغی در حدود ۶۰۰ میلیون ریال با افزایش ۴۹٪ نسبت به سال قبل برای این مسئله در نظر گرفته است و هدف آن گسترش تدریجی خدمات درمانی برای کارمندان دولت و خانواده‌های آنان است تعداد بیمه‌شدگان از ۲۴۵ هزار نفر در سال ۵۱ به ۴۷۰ هزار نفر در سال ۵۲ خواهد رسید. دولت حزبی نیاز سالمندان را قبل از آنکه مسئله سالمندان نیازمند مطرح شود در نظر گرفته است. در زمینه بیمه فوت بازنشستگی و از کار افتادگی کارمندان دولت در سال ۵۲ ۴ میلیارد ریال بصورت کمک ب صندوق بازنشستگی تخصیص داده شده است و من در اینجا لازم میدانم از توجه مخصوص دولت در اجرای اوامر شاهنشاهی آریامهر دایر به گسترش و تعمیم هر چه بیشتر رفاه عامه از ۱۵٪ اضافه حقوق بازنشستگان تشکر بنمایم.

درباره بیمه‌های اجتماعی روستائیان اعتبارات زیادتری نسبت به سال قبل در نظر گرفته شده در زمینه رفاه خانواده و کودک، رفاه کودکان بی سرپرست، رفاه روستائیان و آموزش آنان و رفاه معلمان و ایجاد گسترش تعاونی‌های مصرف اعتباری در حدود ۹۷۰ میلیون ریال تخصیص یافته است که نسبت به سال قبل ۳۲ درصد افزایش داشته هم‌چنین دولت خدمتگذار هویدا با الهام از منویات شاهنشاهی آریامهر در راه بهروزی و بهزیستی روستائیان در سال ۵۲ اعتباری معادل بیش از ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال جهت طرح تأسیسات زیربنای روستاها برای تأمین آب آشامیدنی روستاها و مسائل روستائی و تأسیسات و ساختمان‌های

بهداشتی و بهزیستی محیط و راه‌های روستائی تخصیص داده است یکی از مسائلی که از پدیده‌های شکوفان دوران انقلاب اجتماعی ایران است ایجاد مراکز توان بخشی کشور است. مرکز توان بخش شفا یحیی‌نیا یکی از مراکزی است که در سطح جهانی از مراکز درجه اول توان بخشی است که در جهت کمک به معلولین اجتماع انجام وظیفه مینماید. در مورد بهداشت محیط اضافه بر اقدامات وسیع ذکر شده در روستاها مبلغی در حدود بیش از یک میلیارد ریال برای تأمین لوله‌کشی و شبکه آب‌شهرها و ایجاد و توسعه فاضل‌آب که از اهم مسائل بهداشتی شهرها است با اعتباری در حدود ۴۰۳ میلیون ریال و ایجاد تأسیسات حفاظتی شهرها در برابر سیلاب‌ها و طغیان رودخانه‌ها، اعتباری در حدود ۳۴۰ میلیون ریال در نظر گرفته اند از آنجا که ورزش و تفریحات سالم در سلامت افراد اجتماع بخصوص نوآموزان و نونهالان و جوانان کشور نقش اساسی دارد بودجه تربیت بدنی در سال ۵۲ به ۳۵ میلیارد و ۳۹۵ میلیون ریال افزایش یافته است که با مقایسه نسبت به سال ۵۱ حدود صد درصد افزایش پیدا کرده است. دولت برای تأمین سلامت جسمی افراد ملت و بخصوص جوانان کشور که بارها شاهنشاهی آریامهر امر به گسترش آن فرموده‌اند، در توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور کوشیده است. بودجه امور جوانان با افزایش ۶۴ درصد نسبت به سال ۵۱ - ۳۵۴/۵ میلیون ریال تخصیص داده شده بودجه پیش‌آهنگی ۰/۶۷٪ افزایش پیدا کرده و به میزان ۱۱۶ میلیون ریال افزایش یافته است بودجه تفریحات سالم در حدود ۰/۲۵٪ اضافه شده و در مورد بودجه ورزش در مدارس در سال ۵۲ اعتباری معادل ۱۰۹ میلیون ریال برای این امر تخصیص داده شده است. با گسترش بودجه‌های بهداشتی درمانی، تغذیه‌ای و بهبود محیط زیست و وی‌گیری آنها چنین برمی‌آید که در پایان بودجه پنجم میزان مرگ‌ومیر از ۱۶ در هزار به ۱۴ در هزار کاهش پیدا کرده و این کم شدن میزان مرگ و میر یکی از شاخص‌های بزرگ این ملت در زمینه توسعه و پیشرفت بهداشت و درمان است. هم‌چنین میزان موالید از ۴۸ در هزار به ۴۰ در هزار تقلیل خواهد یافت و این میرساند که برنامه تنظیم خانواده چه نقش سنگین و

مهمی را در آینده دار خواهد بود. ولی در مورد برنامه های دولت در راه ریشه کنی بیماری سل، جذام و سایر بیماری های عفونی دیگر که صحبت نمی کنم پیشرفت زیادی نموده است باید عرض کنم که برنامه ریشه کنی مالاریا در ۶۸۵۳۸ قریه با جمعیت حدود ۱۵ میلیون نفر دنبال میشود و هر ماه مأمورین مبارزه با مالاریا منازل این افراد را که در خطر ابتلاء هستند سم پاشی می کنند و اگر بیماری پیدا شود درمان می نمایند همچنین در سال ۵۲ برنامه های جدیدی بموقع اجرا گذارده خواهد شد. تجهیز و نگهداری ۶۶ مرکز درمانی جدید روستائی. بهبود استاندارد صد درمانگاه روستائی، ایجاد دو واحد بهداشت حرفه ای ایجاد يك مؤسسه پژوهش درمانی. خرید خدمات بیمارستانی جهت افراد کم بضاعت برای تعداد ۲۰۰ هزار نفر. ملاحظه میفرمائید که این بودجه تماماً در باره مسائلی در جهت رفاه عامه بکار میرود همچنین فعالیت های مربوط به گروه های آسیب پذیر. بهبود استاندارد بیمارستانهای اختصاصی وزارت بهداشتی و بیمارستانهای روانی مشهد - تهران - همدان. شروع مقدمات ایجاد ساختمان ۳ آموزشگاه پرستاری. شروع ساختمان چند آسایشگاه درمانی. ساختمان مراکز بهداشتی درمانی روستائی. اینها مسائلی است که در زمینه های بهداشتی و درمانی و در راه رفاه ملت انجام شده. ادامه و گسترش مییابد. پس شاخص ما در اینکه دولت حزبی در دوران انقلاب موفق به بهبود وضع بهداشتی درمانی مملکت شده و این برنامه در سال ۵۲ ادامه خواهد داشت عبارت است از:

(۱) کم شدن مرگ و میر

(۲) کم شدن رشد جمعیت

(۳) افزایش طول عمر افراد اجتماع، بالاینکه خانم

دولتشاهی مطالبی در مورد آموزش و پرورش فرمودند و بنده باین موضوع اشاره نخواهم کرد فقط بعنوان نمونه مطلبی در مورد حوزه انتخابیه خود بیان مینمایم. چون خانم دکتر پارسای در مسافرت تشریف دارند خواهش می کنم آقای دکتر بطحانی عراض بنده را باستحضار ایشان برسانند: در دوران قبل از انقلاب

شاه و ملت قاطبه اهالی و تراکه شاهدوست و میهن پرست گنبد کاوس با ارسال تلگراف ها و طومار ها می نوشتند که ما يك مدرسه ۲۳ کلاسه می خواهیم امروز در نتیجه بهره وری از انقلاب که بنده از ذکر ارقام مربوطه که تعداد دستاها و دبیرستانها و تعداد دانش آموزان که چقدر افزایش پیدا کرده خودداری می نمایم فقط عرض می کنم مردم آن منطقه مردمیکه برای يك مدرسه ۲ و ۳ کلاسه طومار و تلگراف میفرستادند، امروزه سطح دانش و اعتدای دانش آنها بجائی رسیده که طی نامه ای که به پیشگاه شاهنشاه آریامهر تقدیم داشته اند تقاضای تأسیس دانشکده کشاورزی و مدارس عالی در رشته کشاورزی و دامپروزی و بخصوص آموزشگاه حرفه ای و هنرستان صنعتی می نمایند.

همچنین بنده باید عرض برسانم که یکی از اهالی قطعه زمینی را بمساحت ۲۰ هزار متر برای ایجاد آموزشگاه حرفه ای بشورای آموزش و پرورش منطقه ای هدیه کرده است خانم وزیر آموزش و پرورش در پاسخ تقاضای اهالی دستور فرمودند این آموزشگاه ساخته شود. جناب آقای مسعودی دیگران هم از این اقدامات نموده اند و بنده بنام اهالی از وزیر محترمه آموزش و پرورش که موافقت به تأسیس آن فرمودند تشکر میکنم ولی باید در ساختمان و بهره برداری از آن تسریع شود تا در اجرای برنامه های عمرانی، صنعتی، کشاورزی در منطقه خودمان بخصوص در اجرای برنامه پنجم از وجود این افراد استفاده بکنیم و اما مسأله دوم مسئله مسکن است که بنده بطور خلاصه عرض خواهم کرد: سلامتی تنها سلامتی بدن و عاری از بیماری بودن نیست بلکه سلامتی بمفهوم واقعی کلام سلامتی بدن، سلامتی

روان، سلامتی اقتصادی، سلامتی آموزشی، سلامتی اجتماعی و بطور خلاصه احساس و درد پذیرش بهر روزی است و اینکه خوب زندگی میکند. این واقعاً مفهوم کلمه سلامتی است و این مسأله را باین علت عرض کردم که مسکن در سلامت افراد يك ملت نقش مهمی دارد برای روشن شدن این مسأله بنده دو آمار دارم که از ذکر ارقام آن خودداری میکنم. در یکی از کشورهای اروپائی آمارهای مستندی ارائه نموده اند که نشان میدهد قبل از پیدایش داروهای ضد سل و پنیسیلین که در درمان عفونتهای استرپتوکوکی و

ضایعات احتمالی رماتیسمی قلبی بکار میرود در اثر بهبود مسکن منحنی ابتلای بیماریهای مربوطه قوس نزولی پیدا کرده نشان میدهد که ماهر چه که در ایجاد مسکن واحد شرایط و مطلوب و مورد نیاز خانواده ها هر مایه گذاری نمائیم در بهبود بهداشت و سلامت آنان قدم اساسی برداشته ایم. راجع باین مطلب باید توضیح بدهم اصل مهم تدارک و تأمین مسکن و واحد مسکونی برای خانواده ها این است که باید با درآمد سالانه و درآمد خانواده ها تطبیق کند و الا اگر قرار باشد که در آمد خانواده تکافوی هزینه مسکن، هزینه سوخت، هزینه گرم کردن و هزینه تزئینات و پرداخت اقساط وام های دریافتی و سایر چیزها را ننماید چه بسا خانواده ها که مجبور هستند از پوشاک و تغذیه و نیازهای اولیه دیگر زندگی کاهش بدهند و آنرا صرف پرداخت اقساط واحد مسکونی خود نمایند. خوشبختانه دولت حزبی باین مسأله توجه کامل دارد و در ایجاد واحدهای مسکونی برای طبقات مختلف مطابق با درآمد سرانه آنها مسکنی را که احتیاج دارند ساخته و تحویل می نماید. اینجا صحبت از مسکن شده مسأله کمبود مسکن در همه جای دنیا بچشم میخورد حتی نوبت چندین سال در انتظار خانواده ها هست. عاتش یکی افزایش جمعیت است بخصوص در کشورهایی که از دیاد جمعیت بمرحله انفجار رسیده است. مسئله دومی که در کمبود مسکن مؤثر است بهبود وضع اقتصادی مردم است در آمدها بهتر شده و دیگر اینکه بسیاری از خانواده ها عادت داشتند بفرزندان خود حتی پس از ازدواج آنها با هم در يك خانه زندگی کنند ولی امروزه هر کدام از اینها حتی بچه های کوچک میخواهند يك اطاق برایشان در خانه اختصاص داده بشود و بخصوص جوانها تمایل پیدا کرده اند که بعد از ازدواج و حتی قبل از ازدواج از خانه اولیه باصطلاح پدری جدا شوند و اینها مسائلی است که وقتی در کل در نظر میگیریم مبینیم چقدر در کمبود مسکن مؤثر است وزارت آبادانی و مسکن در سال ۱۳۵۱ تعداد ۶۱۶ پروژه که شامل عمران شهری ساختمانهای دولتی و خانه سازی میباشد با هزینه ای بالغ بر ۱۲۷۲۳۹۶۰۰۰ میلیارد ریال باین شرح شروع کرد در مورد عمران شهری، لوله کشی آب آشامیدنی ۱۵۳ پروژه، فاضلاب ۵ پروژه، اسفالت ۳۸

پروژه بناهای حفاظتی ۳۲ پروژه کشتارگاهها ۴۴ پروژه در مورد ساختمانهای دولتی، مراکز درمانی ۲۲ پروژه بناهای دانشگاهی ۲۳ پروژه تأسیسات ورزشی ۸ پروژه بناهای دولتی ۱۲۰ پروژه بناهای آموزشی ۳۱ پروژه هتل مهمانسرا و بلاژ ۱۸ پروژه در مورد خانه سازی ۸۹۰۰ دستگاه خانه های ارزان قیمت ساخته شده ۱۱۰۷ دستگاه مسکن عراضم را باین آماری که عرض می کنم کوتاه می کنم. از ابتدای سال ۵۱ تا پایان بهمن ماه سال جاری تعداد ۳۵۴ پروژه که هزینه مجموع آن بالغ بر ۳/۶۶۱/۹۸۵/۰۰۰ میلیارد ریال است بشرحی که عرض می شود:

لوله کشی آب آشامیدنی ۹۴ پروژه، فاضل آب ۲ پروژه، اسفالت و خیابان سازی ۱۴ پروژه. بناهای حفاظتی ۱۴ پروژه، مراکز درمانی ۱۵ پروژه، بناهای دانشگاهها ۱۰ پروژه، تأسیسات ورزشی ۱۰ پروژه، بناهای دولتی ۷۳ پروژه، بناهای آموزشی ۳۵ پروژه، هتل و مهمانسرا و بلاژ ۹ پروژه، خانه سازی ارزان قیمت ۵۰۰ دستگاه خانه سازی ۵۹۰ دستگاه در سراسر کشور خاتمه یافته و مورد بهره برداری قرار گرفته است. در سال ۵۲ اعتباراتی معادل ۱۴/۵۸۰ میلیارد ریال در امر خانه سازی (که ۰/۱۷ اعتبارات پیش بینی شده در برنامه پنجم عمرانی است) تخصیص یافته که نسبت به سال ۵۱ معادل ۰/۵۲ افزایش یافته است با اجرای این برنامه مجموعاً ۱۶/۶۰۰ واحد مسکونی جدید در سطح کشور از محل اعتبارات عمرانی احداث خواهد شد.

جهت اجرای برنامه احداث خانه های سازمانی کارگران در سال ۵۲ ۲۶۰۰ خانه سازمانی کارگری در شهرهای مختلف با اعتباری معادل ۲/۱۰۲ میلیارد ریال تخصیص یافته است. در اجرای برنامه احداث خانه های سازمانی کارمندان ۱۱/۰۶۶ میلیارد ریال اختصاص یافته که در حدود ۱۳۰۰۰ خانه جدید سازمانی برای کارمندان دولت احداث و ساختمان ۱/۸۰۰ خانه سازمانی در دست اجرا تکمیل میگردد. در اجرای برنامه احداث خانه های ارزان قیمت در سال ۵۲ اعتباری معادل ۱/۲۲۲ میلیارد ریال اختصاص یافته که ساختمان ۷۵۰۰ واحد مسکونی

ارزان قیمت برای طبقات کم درآمد که هم اکنون در دست اجراء است تکمیل گردد.

در اجرای برنامه کمکهای اعتباری برای تأمین مسکن در سال ۵۲ اعتباری معادل ۱۹۰ میلیون ریال بصورت:

- ۱- طرح اعطای کمک هزینه بهره که مجری آن بانک رهنی است.
- ۲- طرح اعطای کمک هزینه بهره وامهای کارگری که مجری آن بانک رفاه کارگران است.
- ۳- طرح ساختمانهای مسکونی روستائی در شرکت سهامی زراعی که مجری آن وزارت تعاون و امور روستاها میباشد تخصیص یافته است.

در مورد تأمین مسکن کارگران در جمع خانه سازی کارگران از طرف وزارت کار از طریق تشویق بخش خصوصی در برنامه پنجم ۲۷۵۰۰ واحد مسکونی ساخته خواهد شد.

در سال ۱۳۵۱ ۲۰۰۰۰ کارگر ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ میلیارد ریال از بانک رفاه کارگران برای تهیه مسکن وام گرفته اند.

در سال ۱۳۵۰ به میزان ۲ میلیارد ریال به حدود ۱۶۰۰۰ کارگر وام مسکن داده شده است.

بعنوان نمونه در سربندر ۳۰۰ خانه تحویل سازمان بنادر و کشتیرانی برای کارگران شده است.

در شیراز ۴۶۰ واحد آپارتمان در دست اقدام است. در اصفهان ۱۵۸۵ آپارتمان برای کارگران در دست ساختمان است که ۴۶۰ واحد آن در سال ۵۲ تحویل می شود. در زاهدان ۱۰۰ واحد در دست ساختمان است در اهواز برنامه ۲۵۰۰ واحدی و در تبریز برنامه برای تأمین ۵۰۰۰ واحد مسکونی برای کارگران در نظر گرفته شده است.

در تهران در گودال جنوب ۷۵۰۰ دستگاه در برنامه است که جمع آنها در برنامه پنجم ۲۷۵۰۰ واحد مسکونی است که از طریق بانک رفاه کارگران و سازمان خانه سازی وابسته بوزارت کار و امور اجتماعی ساخته خواهد شد.

بنده برای اینکه زیاد وقت نمایندگان محترم را

نگه دارم اجازه میخواهم باختصار راجع به آب و برق مطالبی را بعرض برسانم. وزارت آب و برق که در دوران انقلاب شاه و ملت تأسیس گردید طی دوران ۹ ساله پیدایش خود مجری ۱۰۵ طرح آب و برق بوده و تعدادی از آنها را بمرحله بهره برداری رسانیده است. از بدو تأسیس وزارت آب و برق ۷ سد جدید، سد فرحناز پهلوی - سد کورش کبیر - سد شاهپور اول - سد وشمگیر - سد شاه عباس کبیر - سد ارس - سد دارپوش بزرگت ساخته شده است و بدین ترتیب ظرفیت مخازن سد های ایران که قبل از تأسیس وزارت آب و برق ۵۳۸۰ میلیون متر مکعب بوده به ۱۰۰۴۰۰۰۰۰ میلیون متر مکعب افزایش یافته است که علاوه بر آبیاری ۴۰۰ هزار هکتار زمین مزروعی آب مشروب شهرها و کارخانجات صنعتی مجاور آن تأمین مینماید.

در زمینه سد سازی کار ساختمان سد عظیم رضاشاه کبیر بر رودخانه کارون در دست انجام است و مقدمات سدهای مخزنی جیرفت و میناب ولار و نادر شاه و ساوه فراهم شده که پس از ساختمان این سدها متجاوز از ۲۰۰ هزار هکتار دیگر اراضی بطور منظم و صحیح آبیاری خواهند شد و بیشتر از یک میلیون ۱۰۰۰۰۰۰ کیلووات به قدرت تولید نیروی برق آبی کشور اضافه میگردد. با گسترش ساختمان شبکه های آبیاری نوین سطح اراضی مزروعی که از ۱۰ هزار هکتار تجاوز نمیکرد به ۲۶۰ هزار هکتار رسیده است.

در بررسی بخش مربوط به آب در بودجه چنین نتیجه گرفته میشود که دولت در سال ۵۲ اعتباری معادل ۳/۸۹۸ میلیارد ریال برای احتیاجات آب شهرها و صنایع و کشاورزی و تولید برق آبی و جلوگیری از خسارات ناشی از طغیان آب رودخانهها منظور نموده است که باین اعتبار عملیات اجرائی برای تنظیم ۹/۲۸۰ میلیون متر مکعب آب در سال ادامه خواهد یافت و مقدمات تنظیم حدود ۶۶۰ میلیون متر مکعب آب در سال نیز فراهم میشود.

اهم طرحهای این برنامه عبارتند از:

- ۱- ساختمان سد رضاشاه کبیر که جهت ادامه ساختمان آن که از سال ۱۳۴۸ شروع شده است و اعتباری

معادل ۱۹۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۲ تخصیص داده شد. تا ساختمان آن ادامه یابد.

۲- ساختمان مخازن چاه نیمه عمیق برای بهره برداری کامل از آب رودخانه سیستان و تخصیص ۲۹۴ میلیون ریال اعتبار برای سال ۵۲.

۳- ادامه ساختمان سد مخزنی قشلاق بمنظور تأمین آب سندج و اعتبار سال ۵۲ آن معادل ۱۵۰ میلیون ریال.

۴- ساختمان سد میناب - اعتبار ادامه ساختمان آن معادل ۷۸ میلیون ریال برای تأمین آب شهر بندر عباس و آبیاری حدود ۱۴۰۰۰۰ هکتار از اراضی آن.

۵- ساختمان سد لار بمنظور تأمین آب پایتخت و آبیاری ۱۰۵۰۰۰ هکتار از اراضی مازندران که ۵۶۰ میلیون ریال جهت ادامه ساختمان آن در سال ۵۲ تخصیص یافته است.

۶- جهت اجرای انتقال آب از طالقان بدشت قزوین اعتبار معادل ۲۴۵ میلیون ریال منظور شده است.

۷- انتقال آب از کوهرنگ به دره زاینده رود جهت منظور تأمین کمبود آب صنایع و کشاورزی منطقه اصفهان با اعتبار ۱۹۶ میلیون ریال

۸- برای بهره برداری از آبهای زیر زمینی که در سال ۵۲ مبلغی معادل ۲۰۷ میلیون ریال پیش بینی گردیده است.

۹- همچنین برای تأمین آب جزیره کیش برای تبدیل آب شور به شیرین اعتبار مخصوصی در نظر گرفته شده است.

در برنامه ایجاد شبکه های آبیاری ۱۲۷/۷ میلیارد ریال که حدود ۵۶/۶٪ اعتبارات فصل توسعه منابع آب میباشد اختصاص یافته است که اهم آنها عبارتست:

- ۱- ساختمان شبکه آبیاری سد محمد رضا شاه پهلوی.
- ۲- ساختمان شبکه آبیاری سد شهبانو فرح.
- ۳- ساختمان شبکه آبیاری سد وشمگیر.
- ۴- ساختمان شبکه آبیاری سد ارس.
- ۵- ساختمان شبکه آبیاری سد کورش کبیر.
- ۶- ساختمان شبکه آبیاری سد شاهپور اول.

۷- ساختمان شبکه آبیاری زیر سد شاه عباس کبیر.

۸- شبکه آبیاری دشت قزوین.

۹- شبکه آبیاری میانکنگی سیستان.

و در مورد برنامه آبرسانی شهرها که بمنظور تأمین آب مورد نیاز بسیاری از شهرهای کشور، اعتباری معادل ۴۶۱ میلیون ریال به آن تخصیص داده شده است که در نتیجه ظرفیت تأسیسات آبرسانی شهرها بمیزان ۵۱ میلیون متر مکعب آب در سال افزایش یافته و برای انتقال حدود ۳۷/۵ میلیون متر مکعب آب در سال عملیات اجرائی شروع می گردد.

جهت برنامه تولید برق آبی جهت نیاز صنایع و کشاورزی و عمران شهری در سال ۵۲ اعتباری معادل ۲۷۰ میلیون ریال برای ادامه طرح مربوط به تأسیسات برق آبی سد رضاشاه کبیر اختصاص یافته است در دوره انقلاب شاه و ملت در زمینه تأمین برق اقدامات مهمی انجام گرفته که بطور خلاصه اشاره به رئیس مطالب میکنم.

در زمینه برق صنعت برق کشور که قبل از دوران انقلاب بطور پراکنده و بوسیله دستگاههای مختلف اداره میشد به وزارت آب و برق سپرده شد و در دوران انقلاب شاه و ملت همزمان با بالا بردن سطح تولید نیروی برق اقدام به ایجاد شبکه بهم پیوسته ملی گردیده تا برق مطمئن و قوی در اختیار مصرف کنندگان قرار گیرد. علاوه بر ایجاد نیروگاههای بزرگ حرارتی فرح آباد و شهریار، نیروگاههای برق آبی سد محمد رضا شاه پهلوی، سد شهبانو فرح، سد فرحناز پهلوی و سد شاه عباس کبیر، ارس و شاهپور اول تکمیل و مورد بهره برداری قرار گرفت.

کار ساختمان نیروگاه سد رضا شاه کبیر بقدرت یک میلیون کیلووات همراه با ساختمان سد پیشرفت میکند و ضمناً نیروگاه بزرگ حرارتی منجیل - اصفهان - زرنند مشهد - اهواز در دست ساختمان است.

در دوران انقلاب شاه و ملت و دوران تحت مدیریت وزارت آب و برق، قدرت تولید نیروگاههای برق کشور از ۴۴۰۰۰۰ کیلووات به ۲۰۸۸ میلیون کیلووات یعنی بیشتر از چهار برابر افزایش یافته است. و مقدار

تولید نیروی برق از ۷۴۲ میلیون کیلووات در سال ۴۲ به ۵۰۳۸ میلیون کیلووات ساعت رسیده است .
 وطنی این مدت ۵۷۰۰ کیلومتر خطوط انتقال فشار قوی بوجود آمده و شبکه‌های توزیع اکثر نقاط کشور که فرسوده بوده نوسازی گردیده است .
 در مطالعه فصل تأمین برق در بودجه سال ۵۲ اعتباری معادل ۵/۳۹۵/۸ میلیارد ریال تخصیص یافته است ظرفیت تأسیسات برق که تا پایان سال ۵۱ حدود ۲/۱۱۰ مگاوات میباشد بحدود ۳/۰۲۲ مگاوات در سال ۵۲ خواهد رسید .
 طرح‌های عمده این برنامه در سال ۵۲ شرح زیر است :
 طرح نیروگاههای دیزلی شهرهای متوسط و کوچکی که برق آنها از شبکه‌های سراسری تأمین نمیگردد .
 نیروگاه بندر شاهپور بمنظور برق مورد نیاز صنایع پتروشیمی .
 ایجاد دو نیروگاه بخاری بالوله‌های ۳۵۰ مگاواتی .
 اعتبار مخصوص بررسی نیروگاه اتمی مجموع ۱۸۱۴ مگاوات .
 در برنامه انتقال نیروی برق شبکه خطوط انتقال نیروهای ۱۳۲ کیلو ولتی و ۲۳۰ کیلو ولتی که بترتیب ۱/۸۱۱ و ۱/۹۱۱ کیلومتر میباشد اعتباری معادل با ۲/۴۰۴ میلیارد ریال توسعه و گسترش خواهد یافت .
 طرح‌های عمده این برنامه شامل خط انتقال اطراف دریایچه رضایه - خط انتقال تهران - اصفهان - منجیل تهران خط انتقال کمربندی تهران - خط انتقال منجیل تبریز و خطوط چهار گانه ۴۰۰ کیلو ولتی سد رضاشاه کبیر و خط انتقال تهران اراک می باشد .
 در مورد برنامه توزیع نیروی برق و احداث و توسعه و تکمیل کلبه شهرهای کشور اعتباری معادل ۲/۷۵۰ میلیارد ریال در نظر گرفته است .
 در مورد برنامه برق روستائی اعتباری معادل ۵۵۰ میلیون ریال تخصیص یافته است تا جامعه روستائی از رفاه بیشتری برخوردار گردد .

از آنجا که راه‌های مواصلاتی در پیشرفت کلبه امور بویژه اقتصادی و صنعتی و آبادانی شهرها و روستاها نقش مهمی را دارد دولت در اجرای اوامر مبارک شاهنشاه آریامهر رقم مهمی از بودجه را به ایجاد راه‌های بین شهری و روستائی تخصیص داده است .
 در دوران دهه اول انقلاب شاه و ملت اقداماتی چشم‌گیر بدین شرح بعمل آمده است و در ادامه برنامه‌های راهسازی .
 در سال ۵۲ اعتباری معادل ۵/۶۰۸/۲ میلیارد ریال برای این برنامه‌ها تخصیص یافته است .
 عملیات راهسازی مربوطه عبارتند از ادامه و تکمیل ساختمان در حدود ۳/۷۰۰ کیلومتر راه اصلی آسفالت در اجرای برنامه عمرانی پنجم در طی سال ۵۲ و انجام مطالعات مربوط بتهیه پروژه ۳/۲۰۰ کیلومتر راه اصلی جدید .
 ضمناً در سال ۵۲ راه رفسنجان - سرچشمه - خاتون‌آباد که از نظر بهره برداری از معادن مس سرچشمه ضرورت کامل دارد آغاز خواهد شد .
 راه‌های فرعی - در مورد ساختمان و توسعه راه‌های فرعی اعتباری معادل ۳/۳۳۷/۶ میلیارد ریال جهت این برنامه تخصیص یافته است که در اجرای هدفهای برنامه پنجم عملیات اجرائی مربوط به ۴۵۰۰ کیلومتر راه فرعی میباشد .
 در مورد برنامه نگهداری راه‌ها - اعتباری معادل ۲/۹۷۷/۸ میلیارد ریال جهت این برنامه تخصیص یافته است .
 در برنامه ساختمان و توسعه شبکه راه آهن - در سال ۵۲ اعتباری معادل ۳/۱۵۰/۷ میلیارد ریال تخصیص داده شده است که صرف تدارک وسائط و تجهیزات راه آهن مربوط بخطوط جدید و خرید واگن و انجام سایر پروژه‌ها خواهد گردید .
 در برنامه ساختمان و توسعه بنادر در سال ۵۲ اعتباری معادل ۲/۹۹۸ میلیارد ریال جهت گسترش و تجهیز بنادر واسکله‌های جنوب و شمال کشور شاهنشاهی ایران تخصیص یافته است .
 در دهه اول انقلاب مادارای ۱۰۸۳ ایستگاه هواشناسی

۲۸۶ ایستگاه اقلیم‌شناسی، ۵۴۴ دستگاه ایستگاه باران‌سنجی، ۷ دستگاه ایستگاه سنو پتیک، ۴۳ دستگاه گیرنده و فرستنده و ۶ دستگاه رادار شده‌ایم و ۴۵۰۲ کیلومتر راه آهن در دست بهره‌برداری داریم که ۱۰۸۱ کیلومتر آن در این دهه ساخته شده است .
 در برنامه ساختمان و توسعه فرودگاهها در سال ۵۲ اعتباری معادل ۲/۶۴۹ میلیارد ریال جهت توسعه و تجهیز فرودگاههای تهران و شهرستانها و ایجاد فرودگاههای کوچک در استانها خواهد گردید .
 بنده لازم میدانم بنام اهالی گنبد کاوس از ایجاد راه آسفالت گنبد کاوس و راه آسفالت فرعی کلاله و شروع راهسازی فرعی و راه مرزی کلاله - مرو ایانه که در اقتصاد منطقه نقش مهمی داشته است از دولت حزبی جناب آقای هویدا تشکر نمایم (احسن) .
 فعالیت‌های راهسازی در دهه اول انقلاب باین قرار بوده است: ۳۵۰۰ کیلومتر راه آسفالت جدید الاحداث، ۴۵۶۰ کیلومتر راه آسفالت شده، ۹۶۳۹ کیلومتر راه فرعی جدید الاحداث، ۳۷۸۳ کیلومتر راه فرعی در دست ساختمان، ۱۲۹۰۸ کیلومتر راه‌شنی، ۱۲۰۶۰ کیلومتر راه آسفالت ۶۵۳۳ کیلومتر راه خاکی .
 جناب آقای هویدا بررسی بودجه تقدیمی دولت حزبی جناب عالی در دل دشمنان ایران بیم و وحشت و رشک و حسادت ایجاد و بدل شیفتگان اعتلای روز افزون میهن عزیز، شوق و شغف بخشیده، نوید بخش ترقیات و پیشرفتهای باز هم بیشتر ملت ایران در سایه رهبریهای خردمندان شاهنشاه آریامهر بسوی تمدن بزرگ میباشد .
 با تأییدات پروردگار و رهبریهای خردمندان شاهنشاه آریامهر در پرتو هم بستگی ملی و کاردانی در خور تمجید و تحسین دولت پاسدار انقلاب و اراده آهنین و خلل ناپذیر ملت ایران و بکوری چشم فتنه‌انگیزان رسوا و دشمنان سرسپرده ملک و ملت، این بودجه عظیم برنامه‌ای و بی سابقه که بحق باید آنرا بودجه رفاه عمومی و همایش اجتماعی ملت ایران نامید نیز مرحله عمل و اجرا پایان در خواهد آمد. و ملت ایران بار دیگر شایستگی و کوشائی و پابردی خود را بجهانیان ثابت خواهد نمود. از درگاه

ایزدمنان توفیق خدمت روز افزونی را برای شمانخت وزیر خدمتگزار شاه و ملت و دولت حزب پاسدار انقلاب خواستارم .
 سخنان اینجناب در مورد بهداشت و مسکن و آب و برق و راه که بحق مسائل رفاهی جامعه انقلابی ایران را در بر میگیرد پایان پذیرفت ولی جان کلام آنکه آموزش و پرورش و فرهنگ و دانش گسترده، بهداشت و درمان همگانی و پیشرفته آب و برق و راه توسعه یافته، اقتصاد و صنعت شکوفان و پیشرفته، کاردانی و کشاورزی و مسکن اعتلا یافته، بدون آزادی و استقلال برای ملت شاهدوست و میهن پرست ایران پشیزی ارزش ندارد .
 ما از وقایع تلخ و رویدادهای ناگوار گذشته که جوانان جامعه امروزی ما بخاطر ندارند و تصور آنرا نیز نمی‌نمایند، برهبری رهبر عالیقدر و اسلام پناه خود شاهنشاه آریامهر و اراده خلل ناپذیر ملت ایران و فداکاریها و جانبازیهای ارتش دلیر شاهنشاهی ایران پیروزمندان استقلال و تمامیت ارضی مرزوبوم مقدس خود را حفظ نمودیم . ولی همانطور که پیشوای بزرگ و اندیشمند ما شاهنشاه آریامهر طی فرمایشات حکیمانه خود در روز سوم بهمن ماه در کنگره بزرگداشت دهه انقلاب شاه و ملت فرمودند :
 کشور ما دو مرتبه اشغال شد ولی این دو هرگز سه نخواهد شد، در فرهنگ و قاموس ملی و میهنی ایران دیگر کلمت اشغال و تسلیم وجود نخواهد داشت .
 افراد ارتش غیور و دلیر شاهنشاهی ایران نه تنها از آموزش و دانش و تاکتیک‌های دفاعی و رزمی بی‌نظیری برخوردارند، بلکه بهترین سلاح‌های موجود نیز مجهز بوده و ملت ایران مصرا نه می‌خواهد که برای تدارک جدیدترین سلاحها و تقویت هر چه بیشتر ارتش شاهنشاهی بودجه دفاعی کشور افزوده گردد .
 لازم است بگویم ولی آنچه مهمتر از دانش نظامی و قدرت رزمی ارتش شاهنشاهی است، نیروی خلل ناپذیر ایمان و اعتقاد راستین و استوار و پیوند ناگسستی نه تنها افراد ارتش شاهنشاهی بلکه فرد فرد ملت ایران در سایه همبستگی ملی برهبر اندیشمند خود شاهنشاه آریامهر و میهن عزیز و آئین شاهنشاهی پرافتخار ۲۵۰۰ ساله است و بس .

ارتش شاهنشاهی ایران بنا بر رسالت تاریخی زمان نه تنها پاسدار مرز و بوم مقدس و استقلال و تمامیت ارضی ما است، بلکه در نگهداری صلح و حفظ امنیت این منطقه پر آشوب و نا آرام جهان نقش اساسی و حیاتی دارد.

خود فروختگان و پاکبختگان و بردگان استعمار و دلالان و قاچاقچیان رسوای یعنی باید بدانند که ارتش شاهنشاهی ایران يك نیروی سی میلیونی است که بفرمان رهبر خردمند انقلاب شاه و ملت پاسخ هر متجاوز بحریم مقدس، یهن خود را در خاک متجاوز خواهد داد.

شکرو نیایش پروردگار راوستایش رهبری اندیشمند را که در پرتو دوران زرین شاهنشاهی پهلوی و عصر آریامهر و بهره‌وری از پدیده‌های شکوفان انقلاب شاه و ملت، ملت ایران بدرجه‌ای از رشد و پیشرفت رسیده است که در سر آغاز دهه دوم انقلاب شاه و ملت، دولت حزب پاسدار انقلاب، خدمتگزار شاه و ملت با تقدیم چنین بودجه تلفیقی عظیم رفاهی، نوید بخش پیشرفت‌های باز هم بیشتر ملت آزاده مامیگردد. جناب آقای هویدا تبریک بشما و تبریک بهمه همکاران شما که در تهیه و تدوین بودجه بیسابقه تاریخ مشروطیت ایران سعی وافر نموده‌اند. از درگاه پروردگار توفیق اجرای خدمات باز هم بیشتری را برای جنابعالی و همکاران محترم در راه خدمت به شاهنشاه آریامهر و ملت ایران خواستارم. در پایان عرایض خود از درگاه ایزدمنان سلامتی و تندرستی، طول عمر و دوام شاهنشاهی پر خیر و برکت رهبر اندیشمند ملت ایران شاهنشاه آریامهر، علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی نیکوکار و الاحضرت همایون ولایتعهد رضا پهلوی و خاندان جلیل پادشاهی خجسته پهلوی را خواستارم (احسن - احسن).

رئیس - آقای احتشامی تشریف بیاورید.

احتشامی - با اینکه تازه از بیمارستان خاراج شده‌ام ولی بحکم دستور حزبی و وظیفه دارم پیرامون یکی از مهمترین و اساسی ترین لوايح دولت که کلیه برنامه‌های بزرگ عمرانی و فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آینده مابدان بستگی و اتکاء دارد مدتی نظر صائب و تیزبین نمایندگان گرامی را به بیان نارسام جلب کنم. قبل از آغاز سخن ضروری میدانم از آن نظر که آمده از

دوستان از نمایندگان اکثریت که تا سخن آغاز شده جماع تکفیر بدست گرفته و بر سر ناطق اقلیت می‌کوبند (عده‌ای از نمایندگان - هیچ اینطور نیست) همین بهترین شهادت است، به بیان نام اعتقاد پیدا کنند. بر شوری را که بمناسبت پایان دهمین سال انقلاب اجتماعی ایران شخصاً تهیه و تنظیم نموده و تمام مبتنی بر آمارهای فرهنگی و اقتصادی و بهداشتی و نمودار زنده‌ای از پیشرفت همه جانبه ایران در ده سال اول انقلاب است بحضور جناب آقای رئیس مجلس و جناب آقای نخست وزیر تقدیم میدارم تا دیگر جای بحثی باقی نماند نمایندگان محترم، اولین و بهترین موضوعی را که می‌خواهم با اجازه شما مطرح کنم موضوع عدم اجرای انقلاب اداری است که هم خودتان و هم مابدان اعتراف داریم و یقین داشته باشید تا این اصل بهمان طریقی که مورد نظر است بمرحله اجرا در نیاید متأسفانه قسمت مهمی از برنامه‌های سازنده و خلاقه مملکتی در پیچ و خم مقررات اداری معطل و معوق باقی می‌ماند.

و ارادتمند از آنجا که بحکم عادت و وظیفه روزنامه نگاری تمام جراید را مطالعه می‌کنم اکنون نوشته‌ای در این باره که بقلم یکی از همکاران اکثریت که بانویی صاحب نظر و اهل مطالعه است استناد می‌جویم این خانم نماینده در روزنامه کیهان تحت عنوان «دنبال انقلاب اداری نگردید» چنین اظهار نظر کرده است:

«حدود سه سال پیش بناگاه خبری در روزار تخانه‌ای که کار می‌کردم چون بمب ترکید و چند روز متوالی ذهن کارمندان را بخود جلب کرد. می‌گفتند در جهت اصلاح وضع ادارات و مبارزه با تبعیض قرار است که طول و عرض میزهای ادارات استاندارد شود. بدین معنی که هر قدر پست بالاتر و مهتمتر باشد بهمان اندازه میزها طولی تر و عریض تر خواهد بود بخاطر دارم همان روز يك کارمند بایگانی بارنگ بریده و ناراحت سؤال می‌کرد که آیا با این ترتیب میزی که جلوی اوست بيك چهارپایه رنگ و رو رفته و شکسته مبدل نخواهد شد؟ کارمندی که پای بند ظواهر است و می‌خواهد با میزی خوش فرم و مدرن ولو کس و وسائل گرانیقیمت که در روی میز قرار میدهد جبران کمبودها و نماند کار بهاوبی بند و بار بهایش را بکند، ابداً روح انقلاب اداری را درک نکرده است.

حال شما بهترین روش‌ها را باو پیشنهاد کنید او با چنین روحیه‌ای چه خواهد کرد؟

سپس این خانم در پایان مقاله اش چنین نتیجه می‌گیرد:

مدیری که همیشه در پشت میزش ناله و فغان از کار زیاد دارد همکارانش یا خمیازه می‌کشند و یا فال قهوه می‌گیرند و با وقت اداریش را به غیبت و بدگویی از خلق خدا می‌گذرانند و با ساعت‌ها تلفن اداره را برای درد دل و احوالپرسی اشغال می‌کند. مدیری که مدیریت بلد نباشد. چرخهای ادارات را از کار می‌اندازد و موضوع «تبغ بران در کف زنگی مست» در این باره مصداق پیدا می‌کند و اگر بهترین روش‌های بهره‌گیری از نیروهای انسانی را در جلوی چنین انسانی تکرر قرار بدهید هیچ فایده‌ای نخواهد داشت. چون اکثر کارمندان ضابطه پیشرفت را در بدست آوردن دل مقام مافوق میدانند. بسراه‌های عجیب و غریب متوسل می‌شوند که یکی از آنها تملق و چاپلوسی است و آنقدر از خصال برجسته و محاسن اخلاقی و از تیزهوشی و ذکاوت و کاردانی و لیاقت رئیس می‌گویند که امر بر او مشتبه می‌شود و خود را یکی از نوابغ روزگار می‌داند و دیگر هیچکس را برای مشورت و همکاری قبول نخواهد داشت و آنقدر بکه تازی می‌کند تا این که کارها از مسیر جریان عادی خارج میشود.

آری پذیرش مسئولیت و اتخاذ تصمیم احتیاج به جلب همکاری دارد و خدمت کردن را نباید در انحصار گرفت همه مردم باید در اجتماع حق خدمتگذاری داشته باشند... آری.

آفرین، سرکار خانم نماینده سخن از زبان ما می‌گویی. آنچه دوستان حزبی من پیوسته بدان تکیه کرده‌اند همین نکته است که کارهای دولتی نباید در انحصار طلبی محصور گردد و بهمه میدان کار و فعالیت عرضه شود تا استعداد و لیاقت و مدیریت خود را بمنصه ظهور برسانند.

وامافی الحقیقه راه اصلاح ادارات و اجرای انقلاب اداری چیست؟ وجه باید کرد که این مشکلات روزافزون مردم حل و فصل شود؟

باید باین نکته اعتراف کرد که با برنامه‌های سنگین

و شگفت آور و غرور آفرینی که در پیش داریم طبقه فعال و کارآمد مانسبت بجمع نفوس مملکت کم است و باید این خلاء را از بین برد ضوابط و اصولی را حاکم بر مقررات. و سرنوشت مأموران اجرایی دولت نمود که مورد تأیید همه باشد باید تبعیض‌ها را کنار گذارد و لیاقت و کاردانی و امانت را ملاک عمل قرار داد.

جناب آقای نخست وزیر، ایشان تشریف ندارند ولی بعرضشان میرسانند. جناب آقای نخست وزیر در طی نه سالی که اداره امور مملکت را به عهده دارید آیا در سطح بالا تمام همکاران شما از نظر ضوابط مدیریت در يك حد قرار داشتند؟ آیا شما افرادی را در اثر عدم لیاقت، عدم احساس مسئولیت کنار گذاشتید؟ پس بیائید آن ارزش یابی را که رهبر عالیقدرمان در ارتش شاهنشاهی ملاک ارتقاء قرار داده‌اند در خدمات کشوری نیز مجرا سازید.

لغزش‌ها و سستی‌ها و بی‌کفایتی‌ها را با دیده اغماض ننگرید و آن افرادی را اعم از وزیر و معاون و استنادار و مدیر کل که نتوانستند وظیفه خود را بنحو شایسته انجام دهند و در نتیجه از صف اول بیرون رفته‌اند برای همیشه در لیست منفی قرار بدهید و علت برکناری آنان را اعلام فرمائید. اگر دردی به تخته خورد و دوست و قوم و خویشی صاحب نفوذ شد نتواند با کمک او دو مرتبه مشاغل قبلی و یا بالاتر را احراز کند و بکیار دیگر ملت ایران شاهد بی‌لیاقتی و ناتوانی او گردد، باز هم وقت مملکت بیطالت بگذرد و باز هم همان صحنه‌های گذشته تکرار شود.

بخاطر دارم چند سال قبل کارهای وزراء و

صاحب منصبان عالی رتبه کشوری را ارزشیابی و تحت عنوان بند الف و بند ب و بند ج طبقه بندی کردند. فکر بسیار خوب بود ولی متأسفانه در عمل مشمول تبعیض و خاصه خرجی گردید و در نتیجه با اینکه هیاوئی بی‌اکرد مانند قانون از کجا آورده‌ای؟ به نتیجه‌ای نرسید و سپس در بوته ابهام باقیماند و مشمول مرور زمان گردید.

اکنون در وزارتخانه‌های شما چند مدیر کل دارید که مدرک تحصیلی آنان دیپلم است؟ چند رئیس اداره دارید که مدارک فوق لیسانس دارند و ناگزیر در زیر دست رئیسی که تحصیلات او مادون آنها است بانجام وظیفه

می بردازند؟ آیا باین ترتیب میتوان انضباط اداری را اجرا کرد و از آن رئیس خواست که از مدیر کلش تمکین کند؟ بخاطر دارم در سال ۱۳۴۰ برای مدیر کلی شرایطی قائل شده بودند که بسیار اصولی و سنجیده بود و ضوابطی در نظر گرفته بودند که نتیجه آن میشد هر کارمندیکه بموجب آن ضوابط مدیر کل وزارتخانه میشد مورد احترام و تکریم همه کارمندان قرار می گرفت چون بحق آن منصب را احراز کرده بود مورد اعتراض و کله قرار نمی گرفت ولی متأسفانه در سالهای اخیر این سدهاشکسته و آن ضوابط اصولی فراموش شده است. بیایید آن شرایط را از نو احیا کنید و بر بسیاری از تبعیضها و کارهای ناروا خط بطلان بکشید. بموضوع دیگری که فکر می کنم در توفیق برنامه های بزرگ مملکت کمک میکند اعزام افراد کارآمد و متخصص بشهرستانها است - چرا باید تمام افراد خیره را در تهران بکار گماشت؟

مطلقاً حجت و سطح کار در شهرستانها کمتر از تهران نیست و سرمایه چون بکار افتد باید بازده معقول داشته باشد و چه در تهران و چه خارج از تهران باید هدف دولت این باشد که نیروهای کار در سراسر مملکت بخوبی توزیع شود.

سینارها، کنفرانسها، کلاسهای کارآموزی غالباً در تهران تشکیل می گردد و از مغزهای متفکر فقط در تهران استفاده میشود حال اینکه برنامه های بزرگ عمرانی مابدون کمک و مدد کادرهای ورزیده عملی نیست و این کادرها باید در سراسر کشور به اجرای طرحها پردازند.

اگر حرکتی از مغزها بسوی شهرستانها آغاز نشود باید رسماً دست بکار آن شد چرا باید خدمت در شهرستانها را باشیوه های مبتنی بر تبعیض بین تهران و شهرستانها رجحان دادن تهران را بر شهرستانها تحقیر کنیم؟

یکی از فضیلت های تمدن اروپای غربی شاید در این باشد که فاصله رفاه بین شهر و ده کم است ما چرا نباید این فاصله را از میان برداریم شنیدم در استان ساحلی اغلب از پست های اداری خالی است و سطح سواد در

دبیرستان های استان ساحلی آنقدر پایین است که دیپلمه ها نمی توانند در کنکور دانشگاه ها شرکت کنند و پاشیده ام برای اجرای طرح های عمرانی وسیع استان ساحلی نیروی انسانی لازم در اختیار نیست. همچنین در بلوچستان از این نواقص کم و بیش بچشم می خورد و حق این است اگر این کمبود را نمی توانیم فوری رفع کنیم حداقل بکوشیم با توزیع عادلانه آنها در مناطق مختلف متناسب با نیازمندیهای طرح های عمرانی تا سرحد امکان جبران این کمبود ها را بکنیم و برای توفیق در این امر باید بدو نکته توجه داشته باشیم. اول اینکه در اعزام مأموران بخارج از تهران تبعیض روا نداریم و دیگر اینکه به نقش کار در تهران و شهرستانها بیک نسبت اهمیت بگذاریم و اگر متخصصین عضو حزب شما که اغلب مشاغل مهم را در اختیار دارند در این کار پیشقدم بشوند و خدمت در شهرستانها مخصوصاً قسمت های دور افتاده را نوعی دین و ذمه تلقی کنند، خیلی از مشکلات حل شود. انشاء الله

و اما از این موضوع که بگذریم مسئله پست و تلفن هم دو مشکل بزرگ است. من نمیدانم چرا باید دستگاه تلفن تهران آنقدر برای مردم دردسر تولید کند؟ اگر گفتم تهران برای این است که همه روزه تمام باین مشکل دست بگریانیم والا هنگامی که تلفن تهران باین وضع اسفناک اداره شود تلفن های شهرستانها جای خود دارند باز بمن اعتراض نکنید که چرا این مسائل را بهمین می کشم همکاران گرامی، برای نیل به تمدن بزرگ ما باید در تمام مراحل و در تمام شئون زندگی هماهنگ باشیم اینکه نمی شود در بعضی از رشته ها ما سرآمد شویم و در بعضی هنوز مراحل ابتدائی را به پیماییم اخیراً در اثر بیماری بستری بودم و بامجلس شورای ملی برای شرکت در کمیسیونی کار داشتم که باید تماس می گرفتم باور کنید از ساعت ۹ صبح تا ساعت ۱۲ امکان بدست نیامد تا نمره ۳ که شماره اول تلفن مجلس است آزاد شود سرانجام به شکایات تلفن متوسل شدم بالحن آمرانه جواب شنیدم که نمره ۳ در دست تعمیر و تغییر است و شکایت شما بی مورد.

نمونه دیگر. روزی دیگر ۴ نمره از نمره مورد نظر را گرفتم ناگهان دیدم به تلفنی متصل شد که خانمی با آقائی صحبت میکرد. تلفنی را قطع کردم دو مرتبه سه مرتبه خلاصه تا نیم ساعت هر وقت که گوشی را بر میداشتم میدیدم در ددل آن خانم که از شوهر گریز پایش که شبها با افراد نااهل می گذراند و بخانه و زندگی بی اعتنا شده و از این قبیل مطالب که خودتان بهتر از من میدانید، قطع نشد من برای اینکه استراق سمع نکنم، مرتب قطع کردم و فقط با شنیدن چند کلمه باصل مطلب پی بردم. در انتظار ماندم تا او استم شماره مورد نظر را بگیرم و خدا رحم کرد که مخاطب خانم کوتاه آمد و الا تا بحشر این قافله لنگ بود! (عده ای از نمایندگان شما چرا گوش میکردید؟) من قطع می کردم ولی کلمات کوتاه در هر اتصال مطلب را روشن میکرد. من نمیدانم مشکل کار تلفن در چیست؟ تاکی باید این ناسامانی هارا تحمل کرد. دیگر اینکه هم حق مکالمه را گران کردند و هم برای گرفتن تلفن مدت مهلت مقرر را افزایش دادند؛ گره کار کجاست هر روز نمرات تلفن ها عوض میشود آنوقت درد فاتر تلفن هم که بعد از تعویض نمرات تلفنی، دردسترس عموم قرار میگیرد باز همان شماره سابق را ذکر می کنند. دوست عزیزم آقای دکتر الموتی که ماهها گرفتار این مشکل بودند بهترین گواه این مدعی می باشند.

و اما پست هم دست کمی از تلفن ندارد. باز مقصودم پست تهران است و اما در مورد شهرستانها، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. اخیراً اداره پست تهران بروزنامه راه مردم اطلاع داد برای مشتری کین شما بموجب طرحهایی که کارشناسان بلژیکی تهیه کرده اند کارت تهیه می کنیم و مبلغی حواله زحمه می گیریم و بموقع روزنامه ها را بمشتر کین میرسانیم. من بجان خودتان بقدری از این مزده خوشحال شدم که حد نداشتم زیرا هم از شر موزعین نامرتب خلاص می شدم و هم خیالم راحت بود که بموقع روزنامه ها بمشتر کین میرسد. باور کنید بکرات روزنامه خودم را بمنزل نرسانیده اند که ناگزیر از شکایت شده ام اینکه تهران را از نظر پستی منطقی بندی کرده اند، فکر بسیار خوب و پسندیده است ولی قبول می کنید که هر چه عنوان احتشام، احتشامی، احتشام زاده، و نظایر آن بر روی پاکت نوشته شده باشد. اعم از اینکه در منطقه پستی

محل سکونت من باشد یا نباشد بمنزل من می آورند، روزی نامه ای از آلمان رسید که بعنوان پسر عموم بود که در خیابان روزولت، خیابان دیپاسکونت دارد و منطقه پستی او غیر از منطقه پستی ارادتمند است و اسم کوچکش هم بامن فرق دارد حال از صدقه سر پست تهران این وظیفه بر وظایف من افزوده شده که نامه های عوضی را در پاکتی جداگانه بگذارم و بوسیله موزع روزنامه ارسال دارم زیرا می ترسم اگر بپاست بفرستم مجدداً بخانه من باز گردانند. يك نگرانی دیگر هم دارد می ترسم موضوع سفته بانکی و کارهای مشابه آن که متأسفانه غالباً خودم گرفتار آن هستم. در میان باشد و اگر نامه بموقع بدست صاحب نامه نرسد حقی از او تضییع گردد.

حال جناب آقای نخست وزیر این نواقص و مشکلات که خود شاهد عینی آن بوده ام اگر بنظر کوچک می آید ولی از نظر مدیریت و رضایت خاطر مردم و در نظر بیگانگانی که در تهران ما سکونت دارد آنقدر اهمیت دارد که نمیتوان باسانی از آن گذشت. و اما موضوع گرفتاری های ساکنان تهران و شهرداری از جمله مسائلی است که دیگر جسته و گریخته در روزنامه وابسته بحزب اکثریت نیز منعکس است. ببینید کار نارضائی بکجا کشیده که سرو صدای مدافعین حزبی هم در آمده است. زمستان تهران، تابستان تهران، بهار تهران، پاییز تهران، کدام فصل از فصول چهارگانه مانند پایتخت های بزرگ دنیا مجهز است. فصل برف و سرما که بیمارستانها از دست و پاشکته ها پر میشود و عبور و مرور از خیابان های شهر بقدری بکندی و اشکال صورت می گیرد که آدمی تصور میکند در یکی از نقاط غیر معمو و عقب افتاده جهان قرار دارد. در فصل باران سیلابهایی که در تهران راه می افتد چنان عرصه را بر مردم تنگ میکند که اگر امکان داشت برای عبور از خیابانها قایق سواری میکردند، در فصل تابستان و پاییز نیز آنقدر دود و کثافت و آلودگی هوا را مسموم می کند که انسان ناگزیر است برای استنشاق هوای آزاد بکوهستان پناه ببرد آنوقت آن خیابان های کثیف و پر از چاله و چوله که مانند جگر زلیخا هزار سوراخ دارد در معرض مسابقه قرار میگیرد و شهردار محترم تهران برای افرادی که چاله و سوراخی در

خیابان‌هایی که اسفالت شده پیدا کنند جایزه تعیین می‌فرمایند. اگر قرار باشد ایشان بقول خود وفا کنند نگرانم اگر تمام ثروت پدری و اعتبار شهرداری و مقداری اعتبار رایگان از دولت را بر سر این راه بگذارند تا بقولشان وفا کنند باز کسر می‌آورند اصولاً من نمی‌دانم چه ضرورتی است بجای انجام وظیفه اصولی این مطالب عنوان شود تهران الحمدلله خواهر خوانده اوس آنجلس هم که شده نمی‌دانم حال آن خواهر عزیز چه سان است؟ اگر آن هم حال تهران را دارد پس وای بحال مردم ینگکی دنیا البته صحیح این کلمه بینی دنیا است که بزبان ترکی استانبولی یعنی دنیای نو می‌باشد. پائیز گذشته از خیابان پهلوی می‌گذشتم دیدم شرکت تلفن پیاده‌روهای غربی خیابان را می‌کند تا کابل جدید بکشد. البته پیاده‌روهایی را که ساکنان آن با هزینه شخصی موازیک کاری کرده بودند. روی کنجکاو و یا بعبارت دیگر همان عادت ناپسند روزنامه نویسی از سر کارگر پرسیدم هزینه این خرابی با کیست؟ با اطمینان ولحن قاطعی گفت که شرکت تلفن باشهرداری قرارداد دارد که بلافاصله اینها را تعمیر و مرمت کند. ولی به شما اطمینان میدهم که با اینکه متقاضیان چندبار بشهرداری مراجعه کردند جز جواب سر بالا نتیجه‌ای نگرفتند و آنها که همت عالی داشتند خودشان به تعمیر پرداختند و آنان که بوعده شهرداری امیدوار بودند هنوز در انتظار نشسته‌اند معنی این کارها چیست؟ اصولاً شهرداری در چه مرحله‌ای رضایت خاطر مردم را فراهم کرده است؟

مدتی با بوق و کرنا ناسردانند که میخواهیم در زمین‌های عباس آباد طرح تازه و نوئی که از هر جهت بفتح و سودساکنان تهران است اجرا کنیم و با کمک کارشناسان خارجی شهر تازه‌ای بسازیم ساکنان عباس آباد که اغلب افسران بازنشسته بودند حاضر به تسلیم نبودند و مقاومت میکردند بالاخره بالطایف الحبل بادادن اوراق قرضه سرانرا بطاق کوبیدند و سروصداها را خواباندند و ما همه فکر میکردیم شهرداری که با این حرارت و جدیت از مالکان عباس آباد خلع بد کرده بزودی طرح جالب و ابتکاری و غرور آفرین خود را اجرا خواهد کرد. ناگهان در روزنامه‌های عصر خبری منتشر شد که آدمی را غرق در شگفتی و حیرت می‌ساخت. میدانید آن

خبر چه بود؟ خبر این بود که شهرداری قسمتی از زمین‌های عباس آباد را می‌فروشد. من نمی‌دانم این اراضی همان زمین‌هایی است که با آن فشار و جبر از مردم خریدند یا جای دیگر. بهرحال عباس آباد، عباس آباد است و اگر برای اجرای طرح و نقشه احتیاج بآنهمه زمین نبود چرا این کار را کردند؟ بهرحال این موضوع نه تنها برای من بلکه برای مردم تهران معما شده و شاید من اشتباه می‌کنم ولی بهرحال برای روشن شدن افکار عمومی اگر جناب وزیر کشور یا معاون محترم پارلمانی ایشان در این مورد توضیحی بفرمایند موجب تشکر خواهد بود. و اما موضوع پروانه ساختمان در خیابانها نیز مشکل دیگریست که گریبان گیر مردم تهران است و هر روز دستخوش تغییر است من تقاضا می‌کنم نمایندگان محترم تهران مشکلات مردم شهر را جدی‌تر تلقی کنند و بدرددل مردم برسند و به‌بینند مقررات ضد و نقیض شهرداری چه بروز مردم آورده است.

بهر تعبیر با بر نامه‌های بزرگ و خلاقه‌ای که در اجرای منویات شاهنشاه در سالهای آینده اجرا خواهد شد و ایران را باستانه تمدن بزرگ خواهد رسانید تهران ببقواره و کوچ و کوله با وضع دلخراشی که در زمستان دارد بهیچوجه شایسته آحران نام شهر اول ایران را ندارد و من نمی‌دانم شهرداران شهرهایی چون استکهلم و فرانکفورت و شهرهای شمالی اروپا در زیر برف‌های سنگین و پرودت و یخ بندان شدید چه معجزه‌ای می‌کنند که شهردار محبوب ما با اینهمه دست و دلبازی که برای ارائه یک چاله کوچک یک نشان ارزنده ارزانی میدارد و جایزه می‌بخشد از انجام آن عاجز است؟ خدا یا زین معما پرده بردار و اما موضوع جالب دیگری که با اجازه نمایندگان محترم نمیتوانم از آن بگذرم موضوع اتاق اصناف است. حزب مردم از روز اول معتقد بود که اگر اتاق اصناف مستقل باشد و بهیچ حزبی نپیوندد از نظر استقلال بهتر میتواند کار بکند ولی زیاده‌طلبی حزب اکثریت موجب شد که اتاق اصناف نیز بر واحدهای مختلف حزب ایران نوین افزوده شود.

انشاءالله مبارک است. ماکه بخیل نیستیم ولی امیدواریم همانطور که جناب آقای نخست وزیر تأکید

فرمودند این جامعه بتواند از گبران فروشی جلوگیری کند. من بر این امر حیاتی دو وظیفه دیگر را اضافه میکنم یکی کم فروشی و دیگری جلوگیری از تقلب. هنگام برگزاری مراسم با شکوه پایان دهمین سال انقلاب اجتماعی ایران جامعه اصناف ابتکار جالبی بخرج داد و بنیاد اخلاقی انقلاب اجتماعی ایران را تجزیه و تحلیل و توجیه نمود وای کاش این بنیاد اخلاقی را تعمیم میداد و شامل حال اصناف نیز میکرد و بصورت جدی و مداوم سه موضوع، گرانفروشی، تقلب و کسب فروشی را که متأسفانه در این جامعه رسوخ کرده و ریشه دو انیده. دنبال میکرد و برای متخلفان کیفر شدید مرعی میداشت. ولی چون بمصداق این ضرب‌المثل قدیمی که «چاقو دسته خود را نمیرده نگرانم که باز موضوع دوستی و قوم و خویش بازی بر حق و حقیقت بچربد و خطه کار از مجازات در امان ماند و تبعیض‌ها و خاصه خرجیها در صدور پروانه و یا لغو پروانه یا در اثر تعصب حزبی و یا در نتیجه پیوندهای نامطلوبی که همه بدان و قوف دارید و خلاصه حق کثی حاکم بر سر نوشت اصناف گردد.

سخن از تقلب رفت بگذارید بشاهد مثال از رشته مقالاتی که یک نویسنده صاحب نظر در مجله وزین خواندنیها انتشار داده استفاده نمایم.

نویسنده تحت عنوان «در اینجا همه چیز تقلبی است» می‌نویسد غیر از مواد غذایی که غالباً مرکب از آن جنایات هایدام افتاده و بکیفر رسیده اند در عطر و شامپو و ادکلن و چای نیز تقلب‌های خطرناکی می‌کنند که خطر آن از مسمومیت غذایی کمتر نیست.

نویسنده مدعی است که این افراد برای اینکه عطر و ادکلن تقلبی را با مارک خارجی ارزان تمام کنند بجای الکل از الکل متلیک یا «تابلو» استفاده می‌کنند و این الکل سمی است و مهمترین خطر آن این است که سرطان پوست بوجود می‌آورد و فوق‌العاده زیان بخش است و چون آنرا کیلوئی ۲۶ ریال می‌خرند بجای الکل که لیتری ۲۴۰ ریال ارزش دارد مورد استفاده قرار میدهند.

و در شامپو از ماده‌ای شیمیائی که در صنعت قالی بافی بکار میرود استفاده میکنند در نتیجه موجب ریزش موی سر میشود البته شامپویی که روی آن برچسب خارجی

دارد. من نسبت به محصولات داخلی شامپو و صابونها هیچ گونه شکایتی ندارم این برای آنهاست که میخواهند شامپوی خارجی بخرند و این بلا برشان می‌آید و اما در مورد چای نیز تفاله چای را رنگ میزنند و با مقداری عطر چای مخلوط میکنند و آن وقت بجای «گلایبی چای» باروتی، ساخت کلکته بفروش میرسانند و شماره ثبت ایران را نیز بآن الصاق می‌کنند.

مطالبی که عرض شد خلاصه‌ایست از چند مقاله که خیلی عبرت انگیز می‌باشد و جای دارد که آنان اصناف نه تنها با گرانفروشی بلکه با تقلب که خطر آن بمراتب از گرانفروشی بیشتر است مبارزه نمایند و متقلبین را بسخت‌ترین وجهی بکیفر برسانند اگر قانون فعلی شدت عمل ندارد طرح‌های تازه‌ای پیشنهاد کنند مردم را از شر این بدسگالان نجات دهند. و اما در مورد گرانی من با آن قسمت از بیانات جناب آقای نخست وزیر که فرمودند گرانی ما وارداتی و ۹۰ درصد واردات ایران و اردات سرمایه‌ایست و سالیانه در صد بقیمت آنها در دنیا افزوده میشود و تأثیر گذاشتن آن عوامل در قیمت‌ها در دست دولت نیست و ایرانی نمی‌تواند بامریکا و ژاپن و فرانسه و انگلیس دستور بدهد که در مورد سیر صعودی قیمت‌های کالاهاشان راه حل بیابند، موافقم و این مطالب اصولی را تأیید می‌کنم ولی یک سؤال دارم و آن این است افزایش قیمت کالاها و محصولات داخلی و بویژه دولتی تا چه اندازه باید قوس صعودی ببیماید و آیا نظارتی در این افزایش قیمت‌ها بعمل می‌آید یا نه؟ البته اگر آن افزایش وارداتی بهمان تناسب بر بهای کالاها افزوده شود معقول است ولی متأسفانه کار باین منوال نیست بمحض اینکه جنسی در خارج افزایش قیمت پیدامی‌کند تمام کالاها را انبار شده در تهران مشمول آن میشود. باین معنی که از بازار آشفته سوه استفاده می‌کنند. ولی تنها این امر واردات نیست که بر قیمت‌ها اثر می‌گذارد هر پیش آمد داخلی نیز موجب میشود که مایحتاج عمومی گران شود فی‌المثل اگر اعلام شود بر حقوق کارمندی پنجاه تومان اضافه میشود بلافاصله پیشه‌ور محل بر قیمت کالای خود می‌افزاید و بنظر ارادتمند اگر تأسیس شرکت‌های تعاونی مصرف همانطور که رهبر عالیقدر

ایران تأکید و توضیح فرمودند در دستور جدی قرار گیرد و تمام کارمندان دولت از آن برخوردار شوند. مبارزه‌ای اصولی با گرانفروشی انجام خواهد شد. چند سال قبل که در سازمان برنامه شاغل بودم مدیر عامل وقت سازمان برنامه که مردی مبتکر و دوراندیش بود دستور داد مایحتاج کارمندان را از نظر مواد غذایی در تدارکات سازمان برنامه تأمین کنند و پنجاه درصد از بهای آنرا از کارمند بگیرند این امر سبب شد که کارمندان سازمان برنامه از رفاهیت کاملی برخوردار شوند و من نمیدانم تعمیم این کار در وزارتخانه‌ها تا چه حد عملی است؟ ولی قدر مسلم این است که اثر آن بیش از افزایش مبلغی جزئی بر حقوق کارمند می‌باشد.

اکنون باین بحث خاتمه میدهم و امیدوارم همانطور که آقای نخست وزیر وعده فرمودند و تأیید کردند در راه مبارزه اصولی با گرانفروشی موفق شوند و همه را دعاگوی خود سازند.

نکته دیگری که باید بر آنچه گفته شد بیفزایم موضوع تبلیغات عجیب و غریبی است برای فروش کالاها بعمل می‌آید باینکه قرار بود این کار در رادیو و تلویزیون موقوف شود ولی هنوز قسمتی از آن باقی است که در سرلوحه آن تبلیغات برای فروش کالاها در روز مادر است و آنقدر در این کار افراط می‌کنند که دیگر خود مادران همه از این مراسم بیزار شده‌اند زیرا راه نازه ایست برای تحمیل بوسیله کودکان ساده و معصوم و از آن گذشته يك نتیجه منفی آن شامل کودکانی میشود که مادر ندارند.

ومن در اینجا فقط بذکر نمونه ای از انشاء يك كودك بی مادر اکتفا می‌کنم: «من نه مادر دارم و نه پدر، بمن نگفتند مرا کجا پیدا کردند و باچه کسی مرا به پرورشگاه سپرده اما من از کسانی هستم که پنجشنبه‌ها ملاقاتی ندارم... هیچکس نمی‌داند چقدر آرزو دارم مادرم را می‌شناختم. امروز روز مادر است و غم‌دنیارا آورده‌اند و در وجود من ریخته‌اند من از حالا فکر ۲۵ آذرهای آینده را می‌کنم که بیشتر از هر روز دیگر باید غصه بخورم... این نامه را از مجله پرارزش نگین نقل کردم آری این حقیقت تلخی است که در روز مادر

کودکان بی مادر و بی‌مادران بی فرزند عزادار میشوند و عزائمی بگیرند و آیا شایسته است اصناف فقط برای فروش کالاهای بنجول خود برزخم جانگناه این افراد نمک پاشند. من از پشت این تریبون از اولیای اطاق اصناف تمنا می‌کنم اجازه ندهند عده‌ای سود جو روز مقدس مادر را با بئذال بکشند و از ارزش معنوی و انسانی این کار بکاهند. و اما شبکه ترافیک تهران از جمله مشکلاتی است که شاید بعضی از پایتخت‌های دیگر نیز بدان مبتلا باشند.

اگر از مشکلات فنی صرف نظر بکنیم باید اعتراف کنیم که آشفته‌گی ترافیک هم مربوط برانندگان است و هم بعابرین و بستگی تام و تمام بفرهنگ انسانها دارد و برای چاره جوئی باید از دوراه وارد شد یکی بوسیله مردم که باید نظمی را بپذیرند که بدون نظارت قوه اجرائی مختل نشود دیگر اینکه مجریان قانون بین خلافکاران استثناء قائل نگردند. فی‌المثل اتومبیل فلان وزیر یا ارتشی یا فلان کارگرساده باید در برابر مقررات یکسان باشند ولی با کمال تأسف در عمل باز مانند همه کارها و اغماض ها و طرفداربهای بیجا، دوستی و قوم‌خویش‌بازی تمام اصول و موازین را مختل می‌کند.

یکی از مواردی که باید بنظر من بدان توجه خاص شود این است که باید در ساعات روز مخصوصاً در خیابان پرفت و آمداز عبور و مرور کامیونهای مصالح ساختمانی و یا وسایل سنگین ارتشی جلوگیری نمایند. همین هفته گذشته ساعت ۱۱ صبح در خیابان پرفت و آمد بهلوی بالاتراز میدان ولیعهد در فاصله چند دقیقه خود من شاهد عبور دوباربر ارتشی (تریلی) بشماره‌های ۵۷۲۲۹ و ۵۷۷۷۹ يك کامیون پراز الوار بشماره ۸۵۳۶۷ (تهران - ج) بودم که راه را با نالندک غفلتی مسدود میکردند و هیچ مأموری مانع از عبور آنها نشد.

شاید یکی از طرق برای رفع مشکل این باشد که که خیابانهای جدید و عریض و راه‌روهای زیرزمینی در محل تقاطع راه‌ها احداث شود و با همان تدابیری اتخاذ شود که در شهر بزرگ توکیو بکار رفته بهرحال بدون تردید جلوگیری از حرکت وسایل نقلیه سنگین از خیابانهای اصلی و گماردن پلیس مقابل دبیرستانها

برای جلوگیری از حوادث و از آنگونه حوادث تأسف آوری که اخیراً منجر بقتل دانش‌آموزان گردید، یکی از اقدامات لازم اولیه است.

آقای انوشیروانی من هیچگاه این خاطره تلخ را فراموش نمی‌کنم که چند سال پیش در میدان سپه يك کامیون پراز تیر آهن با تومبیل یکی از دوستانم که مهندس عالیقدری بود تصادم کرد و در نتیجه برخورد تیر آهن بمنز او آنآ جان سپرد و اکنون نیز بارت و آمد کامیون‌های پراز مصالح ساختمانی در خیابان‌های اصلی ممکن است هر روز این حادثه مرگبار تکرار شود.

من نمیدانم نظارت و مداخله وزارت علوم و آموزش عالی در کتب درسی و متونی که بدانشجویان تعلیم داده میشود تا چه حد است ولی می‌توانم این نکته را اضافه کنم که متأسفانه بعضی از استادان مطالعه کتبی را بدانشجویان توصیه می‌کنند که مطلقاً معقول و موجه نیست. چنانچه اخیراً خواندم که یکی از مربیان دانشکده ادبیات بدانشجویان رشته زبان انگلیسی توصیه کرده بود برای تقویت زبان انگلیسی بمطالعه کتاب «فاسقلیدی چاترلی» که مفاهیم آن در اسم آن مستتر است بپردازند و بعد در آن نوشته اضافه شده بود توصیه کننده همان کسی است که بسروذن اشعاری نو چون یکی یعنی چهارودو یعنی چهارمی پردازد؟

من باینکه بصداقت نویسنده نمی‌توانم تردید بکنم باینهمه از جناب وزیر علوم و آموزش عالی تقاضا میکنم پیرامون نحوه نظارت آن وزارت در دانشگاه‌ها و چگونگی تأیید صلاحیت استادان و استادیاران اطلاعاتی بارادتمند بدهند تا فی‌الحقیقه روشن شود در دانشگاه‌های ما تعلیم زبان و توصیه استادان بر چه موازینی استوار است؟! و حال با اجازه نمایندگان محترم مسئله داغی را مطرح میکنم، بنام قانون مطبوعات.

در مراسم پایان نخستین دعه انقلاب اجتماعی ایران، انقلابی که در تمام میانی و ششون اجتماعی مارسوخ نموده کارکنان مطبوعات ما که کوشاترین مبلغان انقلاب بوده هستند، از لحاظ موازین کار و ضوابط شغلی متأسفانه از هیچیک از مواهب انقلاب برخوردار نشده‌اند. درست است که ابزار و وسایل کار و مطبوعات گسترش و بهبود

یافته و ماشین‌های چاپ بصورت مدرن درآمده‌اند. و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی تمام مملکت را پوشانده‌اند، اما در همین مطبوعات اصلی‌ترین اداره کنندگان یعنی نویسندگان، خبرنگاران و مترجمان از ثمرات انقلاب بی‌بهره مانده‌اند قانونی که اینک بنام قانون مطبوعات وجود دارد در تاریخ دهم مرداد ۱۳۳۴ یعنی متجاوز از هفت سال و چندماه پیش از تصویب ملی منشور انقلاب اجتماعی ایران به تصویب رسیده اما در اساس مبتنی بر قانونی است که بیست سال پیش وجود داشته و این قانون فعلی هم که بموجب تبصره‌ای در پایان آن فقط به تصویب کمیسیونهای مشترک دو مجلس رسیده بموجب همین تبصره که در آن قید شده موقتاً قابل اجرا است و این بدان معنی است که باید قانون جدیدی جانشین آن شود. بدیهی است که قانون فعلی مطبوعات و قانونی که هفده سال پیش جنبه موقت داشته نمی‌تواند منشاء پیشرفتی هماهنگ با سایر رشته‌های اجتماعی باشد. در دوره بیست و یکم که اینجناب مدتی ریاست کمیسیون اطلاعات مجلس شورای ملی را بعهده داشتیم وزیر اطلاعات وقت لایحه تازه‌ای تدوین کرد که اگر چه خیلی کامل نبود ولی می‌توانست تا حدی منعکس کننده موازین انقلاب در امور مطبوعاتی باشد که متأسفانه آن لایحه هم مسکوت گذاشته شد.

بهرحال قانونی که اینک ناظر بر امور مطبوعات است، فقط از لحاظ تشریفات و شرایط صدور امتیاز حاوی ضوابط مشخصی است ولی از سایر جهات بطور کامل نسبت به نیازها و الزامات واقعی جامعه مطبوعات که وظایف خویش را همواره انجام داده‌اند بیگانه است.

در هفده سال گذشته مطبوعات، از لحاظ فنی و مدیریت و نیز از نظر سبک و فرم انتشار، تغییرات و تحولات محسوس و جالبی پیدا کرده‌اند و رسالت مطبوعات هم در پی تحقق اصول انقلاب به کلی تغییر شکل داده است ولی چنانچه قبلاً بعرض رسانیدم در وضع شغلی و اجتماعی گروه عظیمی از خدمتگزاران مطبوعات یعنی نویسندگان و خبرنگاران و مترجمان هیچ پیشرفتی متناسب با موازین انقلاب بوجود نیامده است. بموجب قانون فعلی

مطبوعات همینکه امتیاز انتشار نشریه‌ای صادر شود يك «ارباب» بعالم مطبوعات وارد میشود درحالی که نه تنها قانون فعلی مطبوعات و نه هیچ قانون دیگری کمترین توجهی به حقوق انسانی و اجتماعی نویسندگان و خبرنگارانی که باید در آن نشریه بکار پردازند بعمل نیامده است و تمام روابط بین این گروه که باید نشریه را براه اندازند باناشر یا مدیر مبتنی بر همان رسوم و سنت‌های دیرینه است که هم اکنون در جامعه مطبوعات برقرار می‌باشد و همچنین باید اضافه کنم بین صاحب امتیاز یا مدیر و مقامات دولتی ناظر بر مطبوعات و بین ارباب مطبوعات و هیئت تحریریه هیچ پایه و ضابطه مشخص و معقولی وجود ندارد. نویسندگان و خبرنگاران هیچ موضع امن و استواری در نشریه‌های خود ندارند. مسائلی شغلی آنها فاقد ضوابط قانونی است. در حوزه‌های خبری یا رشته‌های تخصصی آنها، همه‌گونه وظایف از آنها خواسته میشود بی آنکه حقوق انسانی و اجتماعی آنها مورد توجه قرار بگیرد. باید از این مقدمه نتیجه بگیرم که بطور کلی در مطبوعات ما به علت فقدان ضوابط مشخص کار، روابط خصوصی تنها عامل مؤثر محسوب میشود، از طرف دیگر بین مقامات دولتی ناظر بر مطبوعات و عوامل انسانی مطبوعات نه مرز مشخصی وجود دارد و نه ضابطه‌ای معقول و با اینکه از ۴۲ ماده قانون فعلی مطبوعات بیش از ۳۰ ماده بطور مستقیم و بعضی مواد بطور غیرمستقیم مربوط بوظایف مقامات دولتی در برابر امور مطبوعاتی است هیچگاه برای حل مشکلات نویسندگان بمواد قانون متوسل نمی‌شوند. اکنون در مطبوعات ماتمام امور شغلی کارکنان بصورت مستقیم و یا غیرمستقیم در دست مدیران و ناشران قرار دارد و وزارت اطلاعات با قبضه کردن اختیار نشر آگهی‌ها در دست خود که نحوه توزیع آنها هم بهیچوجه عادلانه و مبتنی بر ضابطه مشخصی نیست بر مدیران و ناشران و از طریق آنها بر سرنوشت نویسندگان و خبرنگاران تسلط کاملی دارد. و من اکنون از دولت جناب آقای هویدا تقاضا دارم از آن نظر که قانون فعلی مطبوعات جامع شرایط نیست و تمام مسائل مربوط بکارکنان مطبوعات را حل نمیکند مقرر فرمایند که در آن تجدید نظر بعمل آید و برای

استخدام نویسندگان و خبرنگاران مترجم ضوابطی قائل شوند و رای تأمین زندگی آنان در دوره بازنشستگی تصمیماتی اتخاذ فرمایند.

و چون یقین دارم شخص آقای نخست وزیر که پیوسته برای بهبود وضع خبرنگاران و نویسندگان حتی تأمین مسکن آنان اوامر مؤکد صادر فرموده و در نیکو داشت آنان مقدم بوده‌اند در این مورد نیز اوامر لازم صادر خواهد فرمود.

دکتر دادفر - طرح مرحمت فرمایند.

احتشامی - یکدفعه طرح دادم بجائی نرسید در کنگره با شکوه پایان دهین سال انقلاب ایران شاهنشاهی اشاراتی بکنند کار دادگستری فرمودند. البته تردید نیست کنندی کار دلیل نمیشود که در امانت و پاکی قضات تردید بعمل آید ولی باید تربیتی داد که کارها بسرعت انجام شود.

ارادتمند از نظر هم مسلکی با آقای ساگینیان سبب شده عده‌ای دوست ارمنی پیدا کنم. اوایل سال جاری یکی از دوستان ارمنی گفت دیوار اتاق پذیرائیم از طرف همسایه تا اتاق رطوبت برداشته و بوی تعفن فضای اتاق را بر کرده و هرچه به همسایه شکایت میبرم بعد از اینکه مستأجر است اقدامی نمیکند. گفتم بدادگاه بخش مراجعه کن او هم با اسناد و مدارک بدادگاه مراجعه کرد و پرونده در یکی از شعب مطرح گردید. قاضی این شعبه مردی سالم و وظیفه شناسی است و علاقمند است که این کار کوچک بسرعت و بخوبی فیصله یابد ولی باور میکنید از آن تاریخ تا کنون این کار بسیار ساده که فقط با اعزام يك کارشناس فیصله مییابد، حل نشده میدانید علت چیست؟ علت فقط عدم هم آهنگی است زیرا کارشناسی که باید بر طبق تعیین وقت بخانه این مرد برود در همان روز همان ساعت برای کار دیگری از طرف شعبه دیگری تعیین میشود و در نتیجه او کار را سبک و سنگین می‌کند و در نتیجه نوبت این مرد همواره تجدید میشود بطوری که باز هم بسال نو محول شده است.

جناب آقای وزیر دادگستری که خودتان میدانید بجناب عالی اعتقاد و احترام دارم (یک نفر از نمایندگان - معاون وزارت دادگستری در مجلس تشریف دارند

باشان خطاب فرمائید) آقای وزیر دادگستری مدتی در مجلس بودند همکار بودیم دوست بودیم بنده نسبت باشان اعتقاد و احترام دارم طرف خطاب من ایشان هستند البته نسبت بمعاون محترم ایشان هم احترام دارم و مرور ما هستند.

همین کارهای کوچک موجبات نارضایتی مردم را فراهم می‌آورد تا آنجا که شاهنشاهی در کنگره عظیمی می‌فرمایند کار دادگستری بکنند انجام میگیرد و با موضوع پرداخت بدعی ارباب میلیاردر معروف که اخیراً بدردود حیات گفت بطلبکاران او همینطور معوق مانده و چون قبل از مرگ دارائی خود را بین فرزندان تقسیم کرده و فرزند صغیر دارد سرپرستی دادگستری نمیتواند برای وصول طلب طلبکاران اقدام فوری بعمل آورد. باید برای مشکلات راه حلی یافت که مردم آنقدر سرگردان نشوند و در عسرت و پریشانی باقی نمانند (عباس میرزائی - روزنامه راند و تند خواندید). در پایان این مطلب نظر جناب آقای وزیر دادگستری را به تقاضای سردفتران ایران که علاقمندند که هیئت مدیره کانون سردفتران را خودشان برای مخفی انتخاب نمایند و تعرفه حق التحریر دفاتر را که ۱۵ سال پیش تعیین شده با توجه به هزینه زندگی امروز مورد تجدید نظر قرار دهند که کمک فرمائید آنان نیز مانند کانون و کلاء کانون مستقی بوجود آورند، جلب می‌کنم.

جناب آقای نخست وزیر، مهمترین و اساسی ترین موضوعی که در بودجه کل کشور گنجانیده شده تخصیص ۲۸ درصد از بودجه کل کشور برای تقویت دفاع کشور است من بنمایندگی از فراکسیون پارلمانی حزب مردم برای این اقدام مهم تبریک عرض میکنم و امیدوارم قسمتی از آن صرف تقویت نیروی دریائی و تأمین سیادت ایران در خلیج فارس و دریای عمان و اقیانوس مجاور آن گردد.

دکتر دادفر - فرمائید در دفاع از خلیج فارس این سیادت نیست.

احتشامی - من غرور ملی دارم و این طور عرض

میکنم زیرا بدون اغراق و مبالغه خلیج فارس مهمترین عامل حیاتی ما ایرانیان است. روزنه ایست که طبیعت برای تنفس مابندینای خارج گشوده است. عامل پیشرفت اقتصاد و ثروت ما است. دروازه ایست که از آنجا بهر نقطه‌ای از جهان که بخواهیم بدون برخورد بمرز و مانعی میتوانیم برویم و اگر این خلیج باستانی ایران نبود ما در میان حصارهای بلند زاگرس و البرز و کوه‌های جنوب و مشرق بصورت زندانیان ناتوانی در می‌آمدیم و راهی برای خروج نداشتیم در عصر هخامنشی که شاهنشاهی ایران بنیان گزارای شد با مریحریه و دریانوردی توجه شایسته مبذول گردید. هخامنشیان بخوبی دریافته بودند که ایران برای نگاهداری و پاسداری شاهنشاهی به ناو خود باید بدریاها فرمانروائی داشته باشد و بنابراین بحریه‌ای نیرومند بوجود آوردند که شامل ناوهای جنگی و ناوهای نیروبر و کشتی های باربری میگردد. داریوش بزرگ با نبوغ خاصی که داشت چنین نیروی دریائی عظیمی را که در آن عصر بی سابقه بود سازمان داد. خشایار شاه با بحریه‌ای مرکب از پانصد فروند کشتی به حفاظت دریاها پرداخت. آری نیروی دریائی ایران در عصر هخامنشی از حیث قدرت و عدد بی نظیر بود. در عصر ساسانی نیز این سیادت بویژه برای توسعه بازرگانی حفظ شد در اعصار تاریخی بعد از اسلام نیز سلاطین آل بویه و سلاجقه و اتابکان فارس توجه خاصی بنیروی دریائی بعمل می‌آوردند ولی در عصر پهلوی نیروی دریائی ایران روح و رونق تازه‌ای گرفت و شاهنشاهی رضاشاه کبیر با اراده‌ای قوی و تزلزل ناپذیر نیروی دریائی نوین ایران را بوجود آوردند ولی در همان حال بعضی از کشورها مانند امروز با تقویت نیروی دریائی ایران موافق نبودند چنانچه روزنامه تایمز در تاریخ ۱۳ اوت ۱۹۳۲ در طی مقاله‌ای نوشت:

دولت ایران در حال حاضر مشغول ایجاد نیروی دریائی است و در ایتالیا سرگرم ساختن کشتی برای ایندولت هستند. تردید نیست این کشتی‌ها دیر یا زود بخلیج فارس خواهند رفت و آنوقت معلوم نیست نتیجه ورود آنها بخلیج فارس چه خواهد شد و سیاست جدید دولت ایران مبتنی بر این اصل است که گناه گناه برای

این منطقه اشکالاتی فراهم آورد که اگر جلوگیری نشود در آینده اشکالات مهمتری فراهم خواهد شد...

بهمین علت بود که در شهریور ۱۳۲۰ همانطور که میدانید ناگهان بحریه ایران با سرعت عجیبی از بین رفت و اکنون هم عجیب نیست اگر در هشتم اسفند گذشته بی بی سی انگلستان بایران توصیه میکند از سرزمین خود دفاع نکنید. تسلیم شوید. وطن برای چیست! مراقب جان خود باشید. و رادیوی دیگری میگوید چرا برای دفاع از کشور اسلحه میخرید؟ چرا نیروی دفاعی خود می افزائید من نمیدانم این بلندگوهای اجنبی که در قطب های مختلف قرار دارند چگونه بخود اجازه داده اند بابتشار اینگونه مطالب مغرضانه بپردازند. چرا ایران با وضع اقتصادی درخشانی که دارد نباید اسلحه بخرد و بتقویت نیروی دفاعی خود بپردازد ولی کشور دیگری با وضع نابسامانی که دارد بسا اقتصاد از هم گسیخته اش مبلغ یک میلیارد و هشتصد میلیون دلار در کار تسلیحات سرمایه گذاری بکنند و نه تنها در داخل کشور خود کارخانه اسلحه سازی داشته باشند بلکه از کشورهای دیگر نیز اسلحه وارد کنند.

مجله ارزنده تماشا در شماره اخیر خود در این باره بحث جالبی داشت. نوشته بود: یکی از رادیوهای بیگانه که چون پیکانی است که دشمن برای قلب ملت ایران ساخته میگوید، دنیا بهوش باشید. ایران اسلحه میخرد. باید باین رادیو پاسخ داد آری ایران اسلحه میخرد ولی هزینه تسلیحات ارتش سالیانه کشورهای بزرگ و کوچک و خرد و کلان کمونیست بتناسب بودجه، وضع اقتصادی و درآمد ملی آنها چند درصد است و آنرا با هزینه تسلیحاتی و امکانات مالی ایران مقایسه کنید تا ببینند تفاوت ره از کجاست تابکجا!

و باید بر آنچه گفتم باین نکته تکیه کنم که چرا ساختن مدل هواپیمای میک، تانکهای مختلف و سلاح های سبک مثل بازو کا برای کشورهایی که از گرسنگی رنج میبرند مشکل ایجاد نمی کند ولی بقیه آن رادیوها ایران بادر آمد سرانه ۵۶۷ دلار مجاز نیست برای دفاع از کشور خویش در ظرف چند سال آینده مبلغی در بودجه اش برای تقویت نیروی نظامی پیش بینی کند در حالیکه کشور دیگری بنظر

مفسران بی بی سی مجاز است چهارده میلیاردو یکصد میلیون دلار در سال ۱۹۷۲ - ۱۹۷۳ بودجه نظامی داشته باشد...

شاید با درایت سیاسی که در نمایندگان محترم سراغ دارم حاجت بتفسیر نباشد که هماهنگی رادیوهای بیگانه در قطب های مختلف نموداری از پیشرفت های درخشان و چشمگیر ایران است که چون خاری در چشم بداندیشان می خاد و چون پیکانی در قلب بدخواهان می نشیند و من بنام یک نماینده اقلیت از دولت آقای هویدا ضمن ابراز تشکر از تقویت نیروی دفاعی کشور خراهانم که در هر فرصت مناسب بتقویت بیش از پیش نیروی دفاعی ایران بپردازند و هر لایحه ای که در این باره بمجلس تقدیم نمایند اقلیت و اکثریت در یک صف با شوق آراء بدان رأی موافق میدهند و این قاطع ترین و دندان شکن ترین پاسخی است که می توان به بدخواهان یاوه گوی ایران داد...

همانطور که بعرض رسانیدم سیادت ایران در خلیج فارس از جمله اقداماتی است که مورد تأیید و علاقه عموم مردم این کشور است و بنا بسوابق تاریخی این امر حق مسلم ایران می باشد ولی در عین حال هماهنگ با این اقدام همانطور که بکرات رهبر بزرگ ایران خاطر نشان فرمودند توسعه و تحکیم روابط دوستانه بین ایران و امارات خلیج فارس از اهم وظایف دولت است و چه دلیل و شاهدی گویاتر و صادق تر و انسانی تر برای ابراز حسن نیت رویه معقولی است که دولت ایران در مورد بحرین معمول داشت و اکنون نیز بهترین مناسبات دوستانه را با این امارت دارد. اصولاً علاقه و توجه ملت ایران بخلیج فارس که مدت های مدید و قرن ها بر سراسر آن سیادت داشته و تاریخ چند هزار ساله دارد موجب میشود که ملت ایران نتواند خود را از ساکنان کرانه های جنوبی آن جدا بداند و بآنان بچشم بیگانه بنگرد همانطور که آنها نمی توانند از ایران چشم پویشند. اصولاً عواطف و احساس خوبشوندی که از دیرباز بین مردم ایران و شیخ نشینان وجود داشته با توطئه ها و تفتین ها متزلزل نمیشود و سستی نمی گیرد صدها هزار نفر ایرانی که در اثر رفت و آمد و برای دادوستد بآنسوی خلیج رفته و در آن مناطق متوطن شده اند، خون ایرانی در رگهایشان می جوشد و عرق میهن

بعلاوه عراق برای بلوچ های مغرض و عناصر خرابکار دفتری در بغداد تأسیس کرده و رادیو بغداد با بخش برنامه های بلوچی بتحریر ساکنان منطقه پرداخته است.

تا به زانندن اضافه می کند که حمل سلاح و مهمات جنگی از عراق بپاکستان ظاهر آزا سال گذشته آغاز شده و از طریق دریای عمان و سواحل نزدیک قطر از کشتی های عراقی بپاکستان منتقل گردیده و این کشتی ها وسیله توزیع اعلامیه های تبلیغاتی علیه ایران در پاکستان نیز بوده اند. حکومت بغداد علاوه بر این چندبار تلاش کرده که در امارات عربی خلیج فارس انقلابی بسبب بعضی براه اندازد و در تعقیب این سیاست بود که در سال ۱۹۷۱ مقادیر معتدلی اسلحه بشیخ نشین رأس الخیمه فرستاد که در فرودگاه شارجه کشف شد.

تا به زانندن آنگاه نتیجه گیری میکند که علت تلاشهای عراق بایجاد ردر برای ایران و دیگر کشورهای منطقه آنست که حکومت بغداد در میان اعراب و بویژه در منطقه خلیج فارس خود را متزوی احساس میکند... و شاید این بهترین تفسیری باشد که بک روزنامه انگلیسی در مورد حکومت بعضی عراق میکند. با اینهمه من خوشوقتم که جناب آقای نخست وزیر همواره آمادگی خود را برای مذاکره و حل اختلاف با حکومت عراق اعلام میدارند ولی من بعنوان یک نماینده اقلیت رسماً اعلام میکنم که بعضی های عراق باید بدانند دیگر دسایس آنان در تفرقه اندازی بین کشورهای مسلمان جهان اثری ندارد و ایرانی امروز با تمام قوا با این افکار و عملیات شیطانی مبارزه میکند و هیچگاه اجازه نخواهد داد که این عناصر پلید، قدمی فراتر نهند و از حد خود تجاوز کنند و در انجام نقشه های شیطانی خود توفیق یابند.

روزنامه تا به زانندن در شماره مورخه ۲۳ فوریه اخیر با اشاره بماجرای کشف اسلحه در سفارت عراق در اسلام آباد پاکستان علل این اقدام حکومت بغداد را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و می نویسد:

عراق از چندی پیش باتعلیم و اعزام گروه های خرابکار بایران و بتحويل پول و اسلحه بآنان بایفای نقش بعضی پرداخته و بخشی از این فعالیت ها متوجه بلوچستان نیز بوده است.

پرستی پیوسته آنان را بسوی برادران و خواهران و خوبشوندان خود می کشاند و این پیوندهای معنوی که در طی هزار سال تاریخ در آنسوی خلیج فارس بوجود آمده چیزی نیست که با عریده جوئی های تبلیغات زهر آگین عناصری که با قدرت قهریه در کشور خود حکومت میکنند و بین مسلمانان با ارسال اسلحه تفرقه و نفاق می افکنند از بین برود.

خاصه اینکه سیاست دولت و ملت ایران بر پایه صلح و دوستی و کمک و همکاری استوار است و بکرات این حسن نیت را به ثبوت رسانیده است.

چون سخن از روابط ایران و امارات خلیج فارس بعین آمد بی مناسبت نمی دانم از یک فرد خدمتگزار که هم اکنون برای سومین بار بمنظور تحکیم روابط دوستانه هر چه بیشتر ایران با همسایگان خلیج فارس بآن صفحات سفر کرده ذکر خبری بکنم.

من به آقای عباس مسعودی سالیان دراز است ارادت دارم. اولین مکتب سیاسی و مطبوعاتی ارادتمند روزنامه اطلاعات بود که از زمانیکه هنوز تحصیل دانشگاهی را پایان نرسانیده بودم در آن مؤسسه مشغول کار شدم و با کمال حق شناسی میگویم که ثبات قدم و راه خدمت به شاه و مملکت را در این مکتب آموختم و امیدوارم ایشان در این سفر نیز مانند همیشه توفیق کامل بدست آورند و بار مغانیهای خوب بنهران باز گردند.

و همچنین امیدوارم دولت آقای هویدا سیاست مستقلی را برای تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی ایران و امارات خلیج فارس دنبال نمایند و اجازه ندهند که حکومت بغداد در این مناسبات دوستانه رخنه و خلخل وارد آورد.

روزنامه تا به زانندن در شماره مورخه ۲۳ فوریه اخیر با اشاره بماجرای کشف اسلحه در سفارت عراق در اسلام آباد پاکستان علل این اقدام حکومت بغداد را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و می نویسد:

عراق از چندی پیش باتعلیم و اعزام گروه های خرابکار بایران و بتحويل پول و اسلحه بآنان بایفای نقش بعضی پرداخته و بخشی از این فعالیت ها متوجه بلوچستان نیز بوده است.

مشترک بردارد و با توجه باینکه بموجب آمار منتشره صادرات ایران در برنامه پنجم بیک میلیارد دلار خواهد رسید موجباتی فراهم آورند که بازار مشترک برای تعدیل روابط خود با ایران گامهای تازه ای بردارد زیرا ایران نباید محدودیت صادرات خود را بیازار مشترک تحمیل کند باید در این باره ایستادگی کامل نماید .

و اما موضوع مهم دیگری که فکر میکنم طرح آن ضروری باشد مسئله ترور و تروریسم است . تردید نیست که سرنگون کردن هواپیمای مسافری لیبی در صحرای سینا عملی بود که در دنیا با عکس العملهای شدید مواجه شد و بدون تردید عمل انسانی و منطقی بشمار نمیرفت همچنین تجاوز اسرائیل بخاک اعراب که برای اولین بار از طرف شاهنشاه خردمند ما محکوم گردید مسئله ایست که باید بموجب منشور سازمان ملل حل و فصل شود ولی مسئله ترور و اشغال سفارت عربستان در خرطوم آنقدر مشتمل کننده بوده که موجب شرمساری و سرفکنندگی تمام مسلمانان گردید و بقول روزنامه ندای ایران نوین (این هم برای اینکه نگویند اقلیت با ما مخالف است) «زشتی کار گروه هفت نفری سپهبر سیاه در خرطوم بیشتر از آن جهت چشمگیر است که این بار در سفارت عربستان سعودی این جنایات بوقوع می پیوندد این عملیات با این طرز نشان میدهد که تروریست های عرب پای بند هیچ مقررات و نظم اخلاقی نیستند زیرا در صورتیکه ایشان بخود اجازه بدهند در سفارتخانه کشور مسلمانی مرتکب این جنایت شوند که پادشاهش شبانه روز در تلاش حل مشکل اعراب است و نیز سالیانه میلیونها دلار به کماندوهای فلسطینی کمک مالی می کند تا بتوانند در راه استقلال و تمامیت فلسطین بجنگند ، انسان دچار حیرت می شود که این چه طرز فکر سبعانه و غیر انسانی است که از کشوری همه ساله و مرتباً کمک مالی دریافت دارند و باهمان وجه اسلحه خریداری کنند و بوسیله همان اسلحه سفارتخانه کشور حامی خود را اشغال و سفیرهای مسلمان را با زداشت کنند و چند دیپلمات دیگر را بقتل برسانند و اسم تمام این عملیات را احقاق حق ملت فلسطین میگزارند .

آری بنظر من نیز دیگر بدست این گروه چنان حق ها و ناحق ها مخلوط شده که باید جامعه عرب برای پیش گیری

از حوادث شوم و خطرناک آینده که بضرر مسلمانان تمام میشود تصمیم فوری اتخاذ نمایند . من بعنوان یک نماینده مسلمان ابراز انزجار خود را از این اعمال وحشیانه که بالمآل موجب شرمساری و خفت مسلمانان جهان منجمله ایران است اعلام میدارم و باین جنایتکاران میگویم .

ترسم نرسی بکعبه ای اعرابی
این ره که تو میروی به ترکستان است
در پایان عرایضم از حوصله و عنایتی که مبدول فرمودید سپاسگزارم و برای حسن ختام اضافه میکنم در مراسم پایان دهمین سال انقلاب ایران شخصیت های مملکتی پیرامون نتایج انقلاب ایران مصاحبه و سخنرانی های جالبی نمودند ولی جالب ترین و دلنشین ترین آن مطلبی بود که شهانوی گرامی ایران بیان فرمودند و اظهار داشتند «دلم می خواست سباهی بودم ، من هنگامیکه این مطلب را شنیدم چنان غرق غرور و افتخار شدم که از صمیم قلب در مقابل عظمت روح و فکر شهانو سر تعظیم فرود آوردم و اکنون بسپاهیان انقلاب تبریک می گویم که بآن - چنان خدماتی در اجرای فرمان رهبر بزرگ ایران دست یافته اند که باید آنانرا نیز قهرمانان مولود افکار بلند و عالی و انسانی قهرمان بزرگ تاریخ ایران دانست و همچنین از فرصت استفاده میکنم و مخصوصاً از بانوان نماینده تقاضای کنم که اقدام بسیار جالب و غرور آمیز شهانورا در اعطای عیدی به فرزندان بلوچستان سرمشق سازمانها و جمعیت های زنان که از عواطف سرشار و مهرمادری برخوردارند قرار دهند . اکنون در آخرین قسمت عرایضم از آن نظر که دیدم دوم مسلك بزرگوارم آقایان فرهادپور و فخر طباطبائی با قاطعیت در کمیسیون بودجه نظرات حزب مردم را اعلام داشته اند و اردفصول لایحه بودجه نمیشوم ولی پیشنهاد می کنم که نسبت بعمران و آبادانی مناطق عقب افتاده بیش از پیش توجه فرمایند و در امر نوسازی روستاها فقط به سهم ۲ درصد اکتفا ننموده و با مشارکت انجمن ها برای لوله کشی و بهداشت و فرهنگ روستاها از محل بودجه عمرانی استفاده نمایند و آن مبلغ دو درصد را صرف نگهداری تأسیسات نمایند و همچنین برای روستائی ها که زمین ورزش در اختیارشان میگذازند مربی ورزش بفرستند . و برای

وصول ده میلیون تومانی که از محل درآمد کشاورزی در ستون درآمد ذکر نمودند شدت عملی بخرج ندهند و برای وصول آن از نظر رونق کشاورزی مهلت قائل شوند و در مورد انشارات گوناگون وزارتخانه ها و سازمان های دولتی ترتیبی بدهند که آن نشریات بوسیله وزارتخانه اطلاعات و فرهنگ و هنر طبع و توزیع شود . و در مورد تأسیس حوزه های کشاورزی که تاکنون ۹۰ حوزه برای پوشش هزاره بوجود آورده اند تسریع قائل شوند و با توجه به تعداد دهات ایران و فرصتی که شاهنشاه برای افزایش سطح درآمدها قائل شده اند که باید در طی ده سال سطح در آمد دهقانان با سطح درآمد شهرنشینان هماهنگ گردد اقدام عاجل و مؤثر معمول دارند . در اینجا خود راموظف میدانم از آقای دکتر دادفر رئیس کمیسیون بودجه که با پیشنهادات اصولی نمایندگان اقلیت موافقت کردند تشکر بکنم (احسن) و از فرصت استفاده میکنم و متن تقاضای کارمندان وزارت راه را بعرض میرسانم .

طبق قانون استخدام مصوب سال ۱۳۴۵ مقرر است که در ازای هر دو سال خدمت بکارمندان دولت یک پایه ترفیع داده شود و مبنای آن از اول سال ۴۷ باشد . بهمین مناسبت طبق تبصره ای در بودجه سال ۱۳۵۰ مقرر شد که بابت خدمت سالهای ۴۷ و ۴۸ یک پایه بکارمندان دولت داده شود که بجز وزارت راه ، اکثر کارمندان سایر وزارتخانه ها ، هم حکم وهم پول آنرا دریافت داشته اند و اضافه بر آن بابت خدمت سالهای ۴۹ و ۵۰ نیز تاکنون ترفیعی داده نشده و در بودجه سال ۱۳۵۲ هم که تقدیم مجلس شورای ملی گردیده است در این مورد اشاره نشده است .

باتوجه اینکه گروه های پائین باگرانی اجناس و ارزاق وضع بدی دارند و این یک پایه ترفیع در زندگی

کارمندان وزارت راه
از الطافتان متشکرم (احسن - احسن)

۳ - تعیین موقع و دستور جلسه آینده - قرائت دستور جلسه روز سه شنبه ۲۲ اسفندماه - ختم جلسه

رئیس - چون وقت دیر است با اجازه آقای مظهري بیانات ایشان را پیرامون لایحه بودجه فردا صبح موکول میکنیم .

دستور جلسه روز سه شنبه علاوه بر لایحه مجازات عمومی که در دستور هست گزارش سه لایحه دیگر هم آماده شده است که قرائت میشود .

(شرح زیر خوانده شد)

دستور جلسه

روز سه شنبه ۲۲/۱۲/۱۳۵۱

- ۱- گزارش کمیسیونها راجع بشورای عالی شهر - سازی شماره ترتیب چاپ ۶۳۵
 - ۲- گزارش شور دوم اصلاح قانون مربوط بارتقاء درجه سرجوخه های ارتش بگروه بان سومی شماره ترتیب چاپ ۶۳۶
 - ۳- گزارش شور دوم اصلاح ماده ۴ قانون نحوه رسیدگی بتخلفات و اخذ جرائم رانندگی شماره ترتیب چاپ ۶۳۷
- رئیس - با اجازه خانمها و آقایان جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح فردا خواهد بود . (جلسه ساعت هشت و پنجاه دقیقه بعد از ظهر ختم گردید)
- رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی